روزنامه صبح کابل

● سال دوم ● شماره ۳۰۱ ● سه‌شنبه ● ۳۰ جدی ۱۳۹۹ ● ۱۹ جنوری ۲۰۲۱

۵

گذار از سنت به نواندیشی دردناک است

پرهیز از جزم‌گرایی-دگم‌اندیشی-، دوری از مطلق اندیشی، پیروی از قواعد منطقی، نگاه...

۶

حکومت موقت؛

تلاشی برای صلح یا تکرار تلخ تاریخ؟

گفت‌وگوهای صلح میان نمایند دولت افغانستان و طالبان و در تنگنای عدم موافقت روی مسایل کوچک گیر مانده است. طرف‌های درگیر جنگ روی کارشیوه‌های پیشبرد مذاکرات به توافق رسیده‌اند؛ اما هنوز روی...

۴

بودجه ۱۴۰۰ در گرو مافیای نفت؟

آیا قراردادهای تیل از سند بودجه حذف خواهد شد؟

شماری از منابع در مجلس نمایندگان به روزنامه‌ی صبح کابل می‌گویند که یکی از دلایلی که بودجه سال ۱۴۰۰ در مجلس نمایندگان تصویب نمی‌شود این است که مافیای نفت...

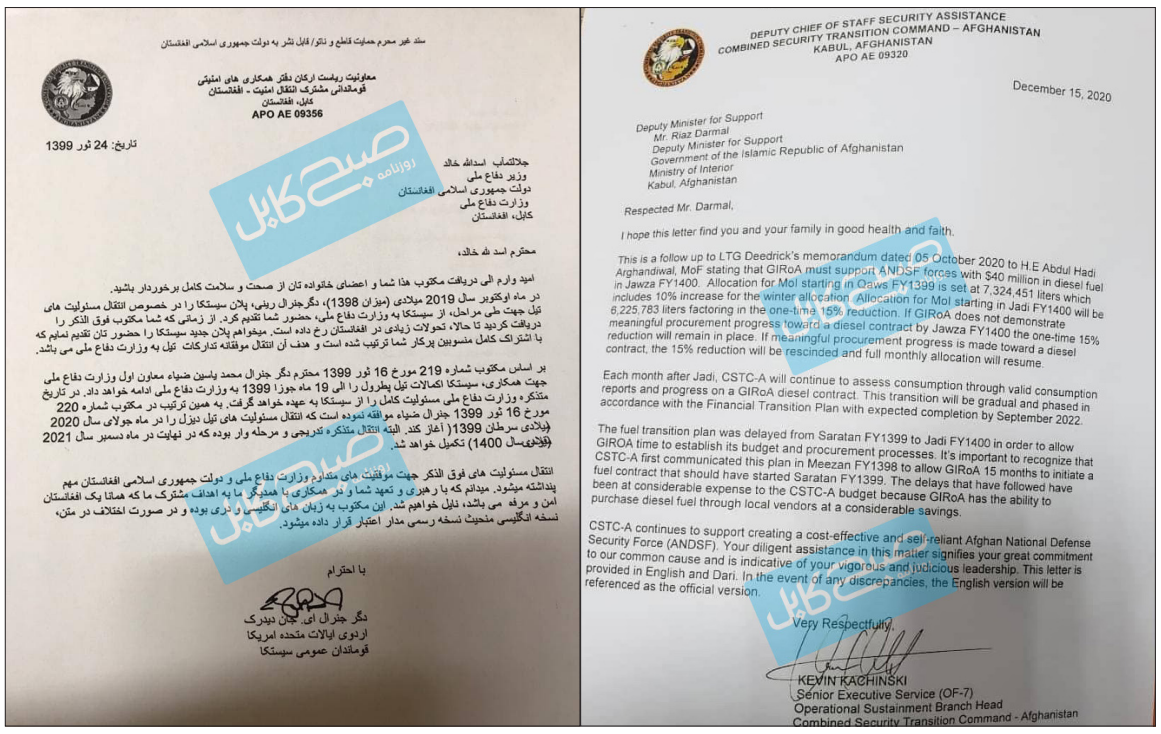

سند غیر محرم حمایت قاطع و ناتو/ قابل نشر به دولت جمهوری اسلامی افغانستان

معاونیت ریاست ارکان دفتر همکاری های امنیتی
قوماندانی مشترک انتقال امنیت - افغانستان
کابل، افغانستان
APO AE 09356

تاریخ: 24 ثور 1399

جلالتمآب اسدالله خالد
وزیر دفاع ملی
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت دفاع ملی
کابل، افغانستان

محترم اسد الله خالد،

امید وارم الی دریافت مکتوب هذا شما و اعضای خانواده تان از صحت و سلامت کامل برخوردار باشید.

در ماه اوکتوبر سال 2019 میلادی (میزان 1398)، دگرجنرال ریني، پلان سیستکا را در خصوص انتقال مسئولیت های تیل جهت طی مراحل، از سیستکا به وزارت دفاع ملی، حضور شما تقدیم کرد. از زمانی که شما مکتوب فوق الذکر را دریافت کردید تا حالا، تحولات زیادی در افغانستان رخ داده است. میخواهم پلان جدید سیستکا را حضور تان تقدیم نمایم که با اشتراک کامل منسوبین پرکار شما ترتیب شده است و هدف آن انتقال موفقانه تدارکات تیل به وزارت دفاع ملی می باشد.

بر اساس مکتوب شماره 219 مورخ 16 ثور 1399 محترم دگر جنرال محمد یاسین ضیاء معاون اول وزارت دفاع ملی جهت همکاری، سیستکا اکمالات تیل بطول را الی 19 ماه جوزا 1399 به وزارت دفاع ملی ادامه خواهد داد. در تاریخ مورخ 16 ثور 1399 جنرال ضیاء موافقه نموده است که انتقال مسئولیت های تیل دیزل را در ماه جولای سال 2020 (میلادی سرطان 1399) (آغاز کند. البته انتقال متذکره تدریجی و مرحله وار بوده که در نهایت در ماه دسمبر سال 2021 (میلادی-سال 1400) تکمیل خواهد شد.

انتقال مسئولیت های فوق الذکر جهت موفقیت های متداوم وزارت دفاع ملی و دولت جمهوری اسلامی افغانستان مهم پنداشته میشود. میدانم که با رهبری و تعهد شما و در همکاری با همدیگر ما به اهداف مشترک ما که همانا یک افغانستان امن و مرفه می باشد، نایل خواهیم شد. این مکتوب به زبان های انگلیسی و دری بوده و در صورت اختلاف در متن، نسخه انگلیسی منحیث نسخه رسمی مدار اعتبار قرار داده میشود.

با احترام

دگر جنرال ای. کیون دیدرک
اردوی ایالات متحده امریکا
قوماندان عمومی سیستکا

DEPUTY CHIEF OF STAFF SECURITY ASSISTANCE
COMBINED SECURITY TRANSITION COMMAND – AFGHANISTAN
KABUL, AFGHANISTAN
APO AE 09320

December 15, 2020

Deputy Minister for Support
Mr. Riaz Darmal
Deputy Minister for Support
Government of the Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Interior
Kabul, Afghanistan

Respected Mr. Darmal,

I hope this letter find you and your family in good health and faith.

This is a follow up to LTG Deedrick's memorandum dated 05 October 2020 to H.E Abdul Hadi Arghandiwal, MoF stating that GIRoA must support ANDSF forces with $40 million in diesel fuel in Jawza FY1400. Allocation for MoI starting in Qaws FY1399 is set at 7,324,451 liters which includes 10% increase for the winter allocation. Allocation for MoI starting in Jadi FY1400 will be 6,225,783 liters factoring in the one-time 15% reduction. If GIRoA does not demonstrate meaningful procurement progress toward a diesel contract by Jawza FY1400 the one-time 15% reduction will remain in place. If meaningful procurement progress is made toward a diesel contract, the 15% reduction will be rescinded and full monthly allocation will resume.

Each month after Jadi, CSTC-A will continue to assess consumption through valid consumption reports and progress on a GIRoA diesel contract. This transition will be gradual and phased in accordance with the Financial Transition Plan with expected completion by September 2022.

The fuel transition plan was delayed from Saratan FY1399 to Jadi FY1400 in order to allow GIRoA time to establish its budget and procurement processes. It's important to recognize that CSTC-A first communicated this plan in Meezan FY1398 to allow GIRoA 15 months to initiate a fuel contract that should have started Saratan FY1399. The delays that have followed have been at considerable expense to the CSTC-A budget because GIRoA has the ability to purchase diesel fuel through local vendors at a considerable savings.

CSTC-A continues to support creating a cost-effective and self-reliant Afghan National Defense Security Force (ANDSF). Your diligent assistance in this matter signifies your great commitment to our common cause and is indicative of your vigorous and judicious leadership. This letter is provided in English and Dari. In the event of any discrepancies, the English version will be referenced as the official version.

Very Respectfully,

KEVIN KACHINSKI
Senior Executive Service (OF-7)
Operational Sustainment Branch Head
Combined Security Transition Command - Afghanistan

تحلیل

مرز باریک میان جنگ و صلح و دموکراسی شکننده

خوانشی از عکس محب علی

نمایش تحجر و شور زندگی، ناکجاآباد واقعی کشوری که مردمش را در میان بیم و امید نگهداشته است. پیوسته وجود انسان زیربار کلان روایت‌ها استخوان خورد کرده و در میان کلان روایت‌هایی اجتماعی؛ جنگ و صلح، تاثیر عمیقی بر فرسایش روح جمعی انسان‌ها دارد.

افغانستان را می‌شود موزه‌ی جنگ نامید؛ موزه‌ای که خیابان به خیابان جنگ را به سطح و گونه‌هایی متفاوت نمایش می‌دهد؛ انسان‌هایی که پاها و دست‌ها و ذهن شان را به خدمت جنگ گذاشته‌اند، ساختمان‌هایی که در جنگ تخریب شده‌اند، سرک‌هایی که هر لحظه امکان پرورش جنگ را در خود دارند.

یا می‌شود گفت: خیابان خالق جنگ است، شبیه به موزه‌هایی که هنرمندان خاص را برای تولید آثار خودش دارد؛ اما هنرمندان این موزه، تولید جنگ را اثر هنری خود به حساب می‌آورند.

عکس‌های آثار هنری این موزه، در انترنت و فضای مجازی، آن‌قدر زیاد است که راحت می‌شود با دیدن آن‌ها، گذشته را تصور کرد؛ گذشته‌ای که با خمپاره و مرگ نوشته شده است؛ اما در این میان، آن‌چه عکس محب علی را خاص می‌کند، ساختار به هم گره خورده‌ای از روایت‌های...

۵

افغانستان و جنگ بدون استراتژی مدون امنیتی

استراتژی امنیتی

به‌منظور تنظیم و ترتیب سیاسی و امنیتی یک کشور، داشتن استراتژی مدون امنیتی، یک اصل اجتناب‌ناپذیر پنداشته می‌شود. بدون داشتن استراتژی مدون دفاعی–امنیتی، دست‌یابی به اهداف بزرگ ملی، امر دشواری است. ازاین‌رو برای بقای یک کشور، داشتن استراتژی مدون امنیتی به‌مثابه‌ی آب حیات، از اهمیت زیادی برخوردار است.

استراتژی امنیتی، درواقع بخشی از سیاست‌های دولت است که هدف آن ایجاد شرایط و بستر سیاسی-امنیتی، غرض حفظ و گسترش ارزش‌های ملی در برابر دشمنان بالفعل...

۳

۷

تیفا: تصمیم برگزاری چهار انتخابات در سال آینده نگران‌کننده است

به‌دنبال اعلام آمادگی کمیسیون مستقل انتخابات و حکومت افغانستان برای برگزاری...

۲

اعدام زندانیان طالب؛

فشار سیاسی یا کوبیدن بر طبل جنگ؟

حجت‌الله، اکمل، حمیدالله، محمدخان، عثمان و مولوی خان‌آقا، شش عضو گروه طالبان و شبکه‌ی حقانی بودند که در ثور سال ۹۵، از سوی دولت افغانستان به جرم حمله‌های...

۷

میدان وردک کې ۱۶۴۰۰۰ جریبه دولتي ځمکه ثبت شوې

په میدان وردک ولایت کې څه باندې ۱۶۴ زره جریبه دولتي ځمکه ثبت شوې ده. شارجوړولو او ځمکو وزارت وایي...

خبر

نخست وزیر استرالیا:

طالبان باید آتش‌بس را بپذیرند

[صبح‌کابل] سکات موریسن، نخست‌وزیر استرالیا، گفته است که گروه طالبان، باید هرچه زودتر با برقراری آتش‌بس در افغانستان موافقت کند.

رییس‌جمهور غنی، روز دوشنبه (۲۹ جدی)، در تماس تلفونی با سکات موریسن، نخست‌وزیر استرالیا، در باره‌ی روابط دوامدار دو جانبه و روند صلح، گفت‌وگو کرده است.

طبق اعلام ارگ ریاست‌جمهوری، در این تماس تلفونی، دو طرف خشونت جاری از سوی طالبان را در افغانستان، مردود دانسته‌اند.

آقای موریسن، تاکید کرده است که طالبان باید آتش‌بس را بپذیرند و قتل‌های هدف‌مند در افغانستان پایان یابد.

او گفته است که استرالیا از روند صلح به رهبری و مالکیت افغان‌ها که در آن ارزش‌ها و دست‌آوردهای دو دهه‌ی گذشته نه تنها حفظ، بلکه بیشتر از پیش تقویت و ادامه یابد، حمایت می‌کند. همزمان با آغاز گفت‌وگوهای صلح افغانستان، سطح خشونت‌ها نیز افزایش یافته است.

چندی پیش دور دوم گفت‌وگوهای صلح در قطر آغاز شد. هیئت گفت‌وگوکننده‌ی دولت افغانستان اعلام کرد که در این دور گفت‌وگوها، در باره‌ی کاهش خشونت و آتش‌بس گفت‌وگو خواهد شد.

با این حال، گروه طالبان با وجود درخواست‌های پی‌هم از سوی دولت افغانستان، کشورها و سازمان‌های خارجی، حاضر به بحث در باره‌ی کاهش خشونت و برقراری آتش‌بس نشده است. به گفته‌ی اعضای هیئت گفت‌وگوکننده‌ی دولت افغانستان، آتش‌بس، در صدر آجندای دولت افغانستان برای گفت‌وگو با طالبان قرار دارد؛ اما این موضوع، در آخر آجندای طالبان گنجانیده شده است.

جهان

واکنش‌ها به بازداشت آلکس ناوالنی منتقد پوتین در مسکو

[صبح‌کابل] شماری از کشورها و اتحادیه‌ی اروپا، خواهان رهایی آلکس ناوالنی، منتقد سرسخت ولادیمیر پوتین شدند.

آلکس ناوالنی، شامگاه یک‌شنبه (۲۸ جدی/ ۱۷ جنوری)، پس از برگشت از آلمان در فردوگاه بین‌المللی شرمتیو مسکو از سوی نیروهای امنیتی روسیه بازداشت شد.

آقای ناوالنی یکی از منتقدان حکومت روسیه است. او در سال ۲۰۱۱ پوتین را متهم به تقلب در انتخابات پارلمانی کرد که ۱۵ روز زندانی شد. در سال ۲۰۱۳ به اتهام اختلاس به زندان افتاد، او همچنان می‌خواست در سال ۲۰۱۸ در انتخابات ریاست‌جمهوری اشتراک کند که به خاطر کلاه‌برداری از شرکت در انتخابات منع شد. او در باره‌ی فساد مقام‌های روسی تحقیقاتی انجام داده و یکی از سازمان‌های ضد فساد (افبی‌کی) را راه‌اندازی کرد. آلکس ناوالنی که پنج ماه پیش در جریان پرواز از آلمان به مسکو، در نتیجه‌ی سم «نوویچوک» مسموم شد و به مدت پنج ماه در آلمان بستری شد، پوتین را عامل مسمومیت خود دانسته است.

او روز یک‌شنبه به روسیه برگشت و پیش از برگشت خود از آلمان، به هواداران و طرف‌داران خود گفته بود که در فردوگاه ونوگور روسیه منتظر ورود باشند؛ اما در آخرین دقایق، پرواز او از این فرودگاه به فرودگاه شرمتیو مسکو هدایت داده شد و در آن‌جا از سوی پولیس روسیه بازداشت شد.

پولیس روسیه، هوادارانش را در فرودگاه ونوگوو بازداشت کرد که در میان بازداشت شدگان، وکیل بنیاد افبی‌کی و یک روزنامه‌نگار نیز شامل اند. آقای ناوالنی، متهم به فرار از حبس تعلیقی ۲۰۱۴ است که ۳۰ دسامبر سال گذشته پایان یافت.

اتحادیه‌ی اروپا، امریکا، فرانسه، ایتالیا، بریتانیا، چک، لهستان، بلاروس و لیتوانی، بازداشت او را محکوم کرده و خواهان رهایی فوری او شده‌اند.

شارل میشل، رییس شورای اتحادیه‌ی اروپا، بازداشت ناوالنی را غیرقابل‌قبول خوانده و خواستار رهایی فوری شده است.

مایک پومپیو، وزیر خارجه‌ی امریکا نیز، از مقام‌های روسیه خواسته ناوالنی را «بدون قید وشرط» آزاد کند.

در همین حال، جیک سالیوان که تا چند روز دیگر، مشاور امنیت امریکا می‌شود، بازداشت ناوالنی را «توهین به مردم روسیه» خوانده و خواهان آزادی او شده است.

سرمقاله

اتحاد حکومت با شیعه‌ها؛
چالشی برای طالبان و حکومت موقت است

چندی پیش امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری، گفته بود، طالبان داعشی در پیام کتبی هشدار داده‌اند که اگر فردی از زندانیان‌شان اعدام شد، کابل را به مسلخ شیعیان تبدیل خواهند کرد و افراد ربوده‌شده را سر خواهند برید.

دیروز، برعلاوه‌ی یادآوری از ناامنی‌های افغانستان، او دوباره از اعدام افراد طالبان سخن گفت: «یکی از راه‌حل‌های اساسی، اعدام شماری از بازداشت‌شدگان است. آن‌ها باید اعدام شوند تا درس عبرتی برای متباقی آن‌ها باشد».

در کنار این‌که سخنان آقای صالح در مورد اعدام طالبان، می‌تواند هشدار باشد، قوه‌ی تحریک آنان به اعلام دشمنی با شیعه‌های افغانستان هم است. جنگ افغانستان تا پیش از ظهور داعش در افغانستان و بعدها، حمله‌های هدفمند طالبان به مناطق شیعه‌نشین و گروگان‌گیری‌ها، چندان جلوه‌ی مذهبی نداشت.

اگر امروز، هشدار طالبان به شیعه‌ها است، دلیلی ندارد جز رویکرد تازه‌ای که سیاست‌های پاکستان آن را شکل داده است. پاکستانی‌ها، رقیب تازه‌ای برعلاوه‌ی هند یافته‌اند و آن ایران است. ایران که کشوری در دست شیعه‌ها است، نفوذ زیادی در افغانستان و در بین شیعه‌های کشور دارد.

بر اساس همین نفوذ، ایران توانسته است بازی خودش را در افغانستان و علیه قدرت‌های رقیبش آغاز کند؛ اکنون، حکومت افغانستان با نزدیک شدن به این کشور، سعی دارد بسیاری از سیاست‌مداران پرطرف‌دار شیعه را با خود متحد کند.

اتحاد حکومت و شیعه‌ها، دست ایران را بازتر می‌کند زیرا می‌تواند با اطمینان کامل و حمایت مذهبی در افغانستان فعال باشد.

چنان‌چه دیده شده، شیعه‌های افغانستان به‌دور از اختلاف‌های قومی و سیاسی، گردهم آمده و می‌خواهند جبهه مشخصی را علیه کسانی که با آنان اعلان دشمنی کرده‌اند، تشکیل بدهند.

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری، گفته است که در شرایط کنونی، هماهنگی مردم و نهادهای سیاسی جامعه‌ی هزاره و اهل تشیع زیر یک چتر کلان سیاسی، برای پیگیری مطالبات جمعی و مشترک آن‌ها در راستای حمایت از صلح عادلانه، ضرورت است.

با گردهم آمدن سیاست‌مداران شیعه در کشور، نه‌تنها می‌توان به حساس شدن گفت‌وگوهای صلح پی برد که همچنان، می‌توان فهمید که جنگ طالبان و هشدارشان به شیعه‌های افغانستان، جدی بوده است.

با این‌همه، سهمی که آقای صالح در این بازی‌ها داشته است، بیشتر از همه بود؛ آقای صالح با قاصدی بین طالبان و مردم، خواست روشن کند که اکنون، جنگ مذهبی بیشتر از همه در افغانستان نقش دارد.

تذکر به این وجه از جنگ، زمانی اهمیت پیدا می‌کند که ایران و وزیر خارجه آن کشور، پیشنهاد استفاده از فاطمیون را به حکومت داده است. اگر میلی به استفاده از این گروه در افغانستان وجود داشته باشد، لازم است تا زمینه‌سازی‌هایی هم صورت بگیرد.

هیچ زمینه‌ای بهتر از انگشت گذاشتن به دشمنی طالبان با شیعه‌ها، نمی‌تواند باشد؛ آقای صالح نه‌تنها قاصد پیام دشمنی طالبان با شیعه‌های کشور بود بلکه هم‌زمان با چنین کاری، او توانست موضع‌گیری‌هایی را در میان سیاست‌مداران شیعه خلق کند. این موضع، می‌تواند کار را به‌جایی برساند که حضور فاطمیون را در افغانستان، دلیل بدهد.

شکی نیست که اگر این گروه دست‌ساز ایران در افغانستان حضور یابد، تقصیرش به گردن سیاست‌مداران هم‌مذهب آن، می‌افتد. پس جنگی که قرار است شاید نام جنگ داخلی را به خود بگیرد، با دشمنی طالبان و شیعه‌ها آغاز می‌شود.

حکومت هم برای این‌که نیروی سیاسی قوی‌ای را با خود داشته باشد، از بسیاری از رابطه‌های امنیتی بین سیاست‌مداران نزدیک به ایران چشم‌پوشی خواهد کرد. درنهایت، نقشه‌ی حکومت و ایران، طوری اعمال می‌شود که در سایه‌ی جنگ مذهبی بتواند طالبان را محکوم به نقض حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی کند. با این کار، هم گفت‌وگوهای صلح موردانتقاد قرار می‌گیرد و هم امضای توافق‌نامه با طالبان با هر گروهی -مثلاً طرفداران حکومت موقت- یک معامله‌ی ننگین به‌شمار رفته و هر دو طرف توافق را محکوم به دشمنی با بخشی از مردم افغانستان می‌کند. ترس از این اتهام و به‌وجود آمدن دشمنی احتمالی، بقیه‌ی سیاست‌مداران کشور را از اقوام دیگر، محتاط ساخته و شاید بتواند از بی‌پروایی‌های سیاسی بر حذر دارد.

اعدام زندانیان طالب؛
فشار سیاسی یا کوبیدن بر طبل جنگ؟

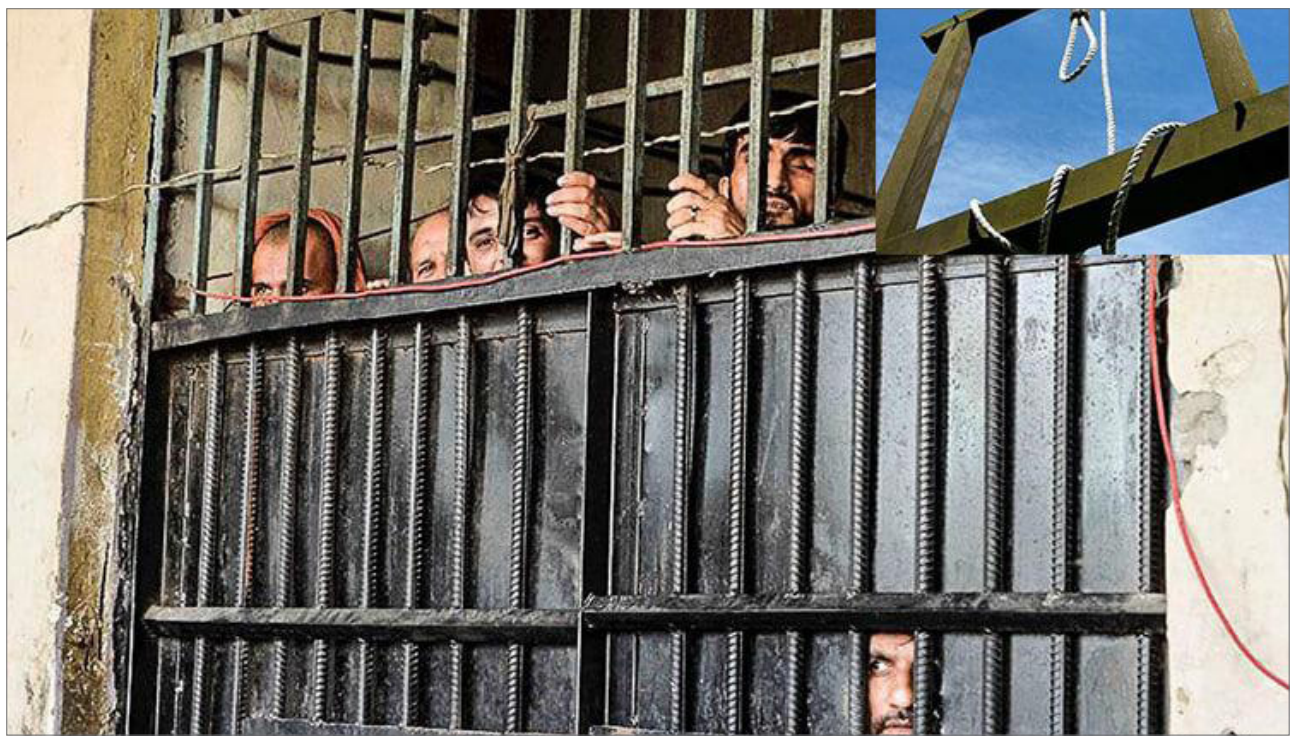

عبدالرازق اختیاربیگ
گزارشگر

حجت‌الله، اکمل، حمیدالله، محمدخان، عثمان و مولوی خان‌آقا، شش عضو گروه طالبان و شبکه‌ی حقانی بودند که در ثور سال ۹۵، از سوی دولت افغانستان به جرم حمله‌های تروریستی در کشور اعدام شدند. بیشتر این افراد در حمله‌های انتحاری و انفجاری دست داشتند. در این میان، حمیدالله فردی بود که ترور برهان‌الدین ربانی، رییس پیشین شورای عالی صلح را سازمان‌دهی کرده بود.

درست یک ماه و چند روز پس از اعدام این افراد، دولت افغانستان اعلام کرد که قانون جزای این کشور تعدیل و موارد حکم اعدام محدودتر و کمتر می‌شود. سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری در آن زمان، گفته بود که دولت افغانستان در نظر دارد که برای اکثر جرایمی که در قانون جزا، مجازات اعدام پیش‌بینی شده، مجازات حبس در نظر گرفته شود.

آقای دانش گفته بود: «مطابق قوانین جزایی ما، صدور حکم اعدام محدود به موارد بسیار خاص؛ یعنی پنج مورد است: قتل عمد، کشتارجمعی، انفجار توأم با قتل، قطاع‌الطریقی توأم با قتل و جرایمی که درنتیجه‌ی آن اراضی افغانستان در اختیار خارجی قرار داده و تمامیت ارضی و استقلال کشور صدمه ببیند.»

باید گفت که گروه طالبان نزدیک به ۲۰ سال است که در برابر دولت و نیروهای امنیتی افغانستان می‌جنگد و مرتکب جنایات جنگی زیادی شده است. حال اما؛ امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری، پس از گذشت پنج سال از آخرین مورد اعدام اعضای طالبان، تأکید بر اعدام زندانیان فعلی این گروه دارد و می‌گوید که آن‌ها باید اعدام شوند تا درس عبرتی برای باقی افراد این گروه باشد.

آقای صالح، روز دوشنبه (۲۹ جدی)، در برگه‌ی فیس‌بوکش نوشته است، یکی از دلایل افزایش ترورهای هدفمند در شهرهای بزرگ، این است که زندانیان طالب فکر می‌کنند درهرصورت مورد عفو قرار گرفته و برای فعالیت‌های تروریستی‌شان مجازات نمی‌شوند.

او گفته است: «یکی از راه‌حل‌های اساسی این چالش، اعدام شماری از بازداشت‌شدگان است. آن‌ها باید اعدام شوند تا درس عبرتی برای متباقی آن‌ها شود. یکی از نکات اساسی خواهد بود که من به نشست شورای عالی حاکمیت قانون مطرح خواهم ساخت. هر تروریستی که بازداشت می‌شود، باید اعدام شود.»

بر اساس معلومات معاون نخست ریاست‌جمهوری، افراد طالبان که در جریان هشتاد روز گذشته بازداشت شدند، به جرم‌شان اعتراف کرده‌اند؛ اما همه‌ی امیدشان این بود که روزی بدون هیچ مجازاتی دوباره آزاد خواهند شد.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که چندی پیش گروه طالبان در پیامی، هشدار داده بودند که اگر فردی از زندانیان‌شان اعدام شود، انتقام خواهد گرفت و کابل را به مسلخ شیعیان مبدل خواهد کرد. از سوی دیگر این اظهارات، هم‌زمان است با دور دوم گفت‌وگوهای صلح افغانستان.

دورم دوم گفت‌وگوهای صلح افغانستان، همین هفته‌ی پیش در قطر آغاز شد. انتظار می‌رود در این مرحله، روی مواردی سرنوشت‌ساز؛ ازجمله نظام آینده فیصله صورت بگیرد. در این شرایط، حرف‌های آقای صالح می‌تواند پیامدهای جدی‌ای را به همراه داشته باشد، زیرا دولت افغانستان هزینه‌های سنگینی برای به نتیجه رسیدن روند صلح پرداخته است.

محمد اشرف‌غنی در حوت سال گذشته‌ی خورشیدی، فرمان عفو مجازات و آزادی پنج هزار زندانی گروه طالبان را امضا کرد. پس از امضای آن، پنج هزار زندانی طالبان آزاد شدند و این گروه در مقابل تنها یک هزار زندانی دولتی را نیز آزاد کردند.

دولت افغانستان پنج هزار زندانی را بدون هیچ تضمین

دورم دوم گفت‌وگوهای صلح افغانستان، همین هفته‌ی پیش در قطر آغاز شد. انتظار می‌رود در این مرحله، روی مواردی سرنوشت‌ساز؛ ازجمله نظام آینده فیصله صورت بگیرد. در این شرایط، حرف‌های آقای صالح می‌تواند پیامدهای جدی‌ای را به همراه داشته باشد، زیرا دولت افغانستان هزینه‌های سنگینی برای به نتیجه رسیدن روند صلح پرداخته است.

آزاد کرد. تنها از آن‌ها تضمین گرفته شد که پس از آزادی دوباره به میدان جنگ برنگردند؛ اما یافته‌های یک پژوهش روزنامه‌ی صبح کابل، نشان می‌دهد، بسیاری از افراد این گروه، به‌شمول فرماندهان کلیدی‌شان پس از آزادی دوباره به میدان جنگ برگشتند.

این پژوهش که در ۲۹ سپتامبر سال گذشته‌ی میلادی نشر شد، نشان می‌دهد که شماری از اعضای ارشد و کلیدی طالبان که پس از رهایی از زندان‌های حکومت افغانستان، به میدان‌های جنگ برگشته‌اند، توسط نیروهای امنیتی-دفاعی کشته شده‌اند. در این پژوهش، کشته شدن ۵۰ تن این زندانیان رهاشده، مستند شده است.

با این حال اما؛ طالبان نمی‌پذیرند که افرادشان دوباره به میدان جنگ برگشته‌اند. ذبیح‌الله مجاهد، در واکنش به اظهارات تازه‌ی امرالله صالح در مورد اعدام زندانیان این گروه، می‌گوید: «چنین اظهاراتی تحریک‌کننده است. آن‌ها می‌خواهند جریان مذاکرات را سبوتاژ کنند. اگر با زندانیان ما هرگونه برخورد غیرانسانی و ظالمانه صورت بگیرد، ما انتقام سخت آن را خواهیم گرفت.»

هرچند مسئولان در اداره تنظیم زندان‌ها، می‌گویند که همین اکنون، حدود یک هزار زندانی محکوم به اعدام‌اند؛ اما در مورد این‌که چه تعدادشان زندانیان طالب است، معلومات نمی‌دهند. فرهاد بایانی، سخنگوی این اداره، به روزنامه صبح کابل می‌گوید، از یک هزار نفر، یک‌سوم آن حکم‌شان نهایی است و بقیه در مراحل محاکماتی ابتدایی و استینافی قرار دارند.

چنانچه پیش‌تر نیز گفته شد، حرف‌های آقای صالح با آن‌که نهایی نیست و نیاز است حکومت و مراجع عدلی و قضایی در این مورد فیصله کنند؛ اما پیامدهای ازجمله افزایش حملات تروریستی را به‌دنبال خواهد داشت.

آگاهان سیاسی می‌گویند، از آن‌جایی که ما فعلاً در جنگ با طالبان هستیم، این اظهارات می‌تواند، کش‌وقوس میان دولت و طالبان را زیاد بسازد و میدان جنگ را گرم.

رحمت‌الله بیژن پور، آگاه مسایل سیاسی و روابط بین‌الملل، به روزنامه‌ی صبح کابل، می‌گوید: «نمی‌دانم که آقای صالح، چقدر مطمین است که رهبری حکومت با او توافق خواهد کرد و طالبانی که در زندان است، اعدام شوند. طالبان بسیاری در دوران کرزی و غنی بود، اعدام نشد؛ چون بحث مذاکره است و طالبان با دولت امریکا توافق‌نامه امضا کرد. با این پیشنهاد، رهبری دولت و نظام عدلی توافق نخواهند کرد.»

آقای بیژن پور- تأکید می‌کند- از آن‌جایی که این مشکل جنگی است، چالش‌ها را افزایش خواهد و در این صورت دولت باید آستین بالا بزند و با قاطعیت برخورد کند؛ این‌گونه هزینه‌ی بیشتری برای ادامه‌ی جنگ بپردازد.

به گفته او، این اظهارات آقای صالح می‌تواند، بعد دیگری نیز داشته باشد که ممکن دولت با این تاکتیک، می‌خواهد بر طالبان فشار وارد کند و آن‌ها را وادار کند که در میز گفت‌وگو جدی‌تر عمل کنند.

تا این‌جای کار که دیده می‌شود، طالبان علاقه‌ی چندانی هم به سرانجام رسیدن گفت‌وگوهای صلح ندارند. حملات این گروه هم‌زمان با آغاز دور دوم گفت‌وگوها افزایش یافته است.

بر اساس معلومات وزارت دفاع، همه‌روزه در بیش از بیست ولایت، جنگ میان نیروهای امنیتی و طالبان جریان دارد. از سویی هم حملات انتحاری و انفجاری طالبان نیز افزایش یافته که بیشتر از غیرنظامیان قربانی می‌گیرد.

بیژن‌پور، حکومت را مسئول بلندپروازی‌های طالبان می‌داند، زیرا این دولت بود که امتیاز زیادی به این گروه داد. «دولت یک سری غفلت‌ها را انجام داد. زندانیان طالبان را بدون هیچ تضمینی آزاد کرد. در مقابل هیچ‌گونه شرایط و محدودیتی وضع نکرد. آتش‌بس بحث بود؛ ولی طالبان آن را به پشیزی نخریدند.»

با این‌همه، دیده شود که آیا حکومت با پیشنهاد امرالله صالح موافقت خواهد کرد، یا این‌که ادامه‌ی روند صلح مانع آن خواهد شد.

افغانستان و جنگ بدون استراتژی مدون امنیتی

[محمدعارف‌کیانی]

بخش نخست

استراتژی امنیتی

به‌منظور تنظیم و ترتیب سیاسی و امنیتی یک کشور، داشتن استراتژی مدون امنیتی، یک اصل اجتناب‌ناپذیر پنداشته می‌شود. بدون داشتن استراتژی مدون دفاعی-امنیتی، دست‌یابی به اهداف بزرگ ملی، امر دشواری است. ازاین‌رو برای بقای یک کشور، داشتن استراتژی مدون امنیتی به‌مثابه‌ی آب حیات، از اهمیت زیادی برخوردار است.

استراتژی امنیتی، درواقع بخشی از سیاست‌های دولت است که هدف آن ایجاد شرایط و بستر سیاسی-امنیتی، غرض حفظ و گسترش ارزش‌های ملی در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه داخلی و خارجی است؛ به این حساب جوهر استراتژی امنیتی یک کشور را تشکیل می‌دهد.

برای این‌که فهم درستی از امنیت داشته باشیم، نیاز است تا آگاهی نسبی‌ای در مورد امنیت و امنیت ملی بدانیم. از امنیت ملی تعریف‌های گوناگونی صورت گرفته است. خلاف تصور مرسوم شهروندان، امنیت ملی که تشکیل‌دهنده شالوده یک استراتژی دفاعی امنیتی به مفهوم وسیع کلمه بوده و در مباحث علمی، فراتر از بعد نظامی موردمطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

روی این دلیل، تلاش شده است که در جستاری بسیط، در لابه‌لای مباحث، به تعریف‌های امنیت در شعاع پارامترهای عینی امنیتی نیز پرداخته شود. روی این ملحوظ اگر نگاه چندبعدی به استراتژی دفاعی-امنیتی صورت گیرد، ارایه یک تعریف واحد و قابل‌قبول از استراتژی، امری دشوار به نظر می‌رسد.

در ماهیت امر، استراتژی جامع امنیتی موردنظر صاحب این قلم، با در نظرداشت پیچیدگی فضای امنیتی افغانستان دربرگیرنده مسایل سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی و حتا روانشناسی است. از این منظر، استراتژی امنیتی در بعد کاربردی، پدیده‌ای فراتر از جنگ و مسایل نظامی است.

در بعد نظامی، تعریف کلاسیکی که از استراتژی ارایه شده، همانا هنر و رهبری نظامی در میدان جنگ و منازعه است. هرچند که در عصر کنونی، جنگ ابعاد مختلفی پیدا کرده و این تعریف چندان مقبول واقع نمی‌شود و منجمد به نظر می‌رسد؛ اما از آن‌جایی که در گذشته نگاه به جنگ، بیشتر نگاه سخت‌افزاری بوده و این تعریف معطوف به گذشته و با نگاه تک‌بعدی ارایه شده است.

طوری که در بالا یادآوری شد، استراتژی امنیتی در یک کشور به‌مثابه آب حیات برای بقای یک نظام سیاسی پنداشته می‌شود.

اصولاً استراتژی امنیتی باید دربرگیرنده همه‌ی حالت‌های دفاعی و تهاجمی، غرض حفظ و پاسداری از ارزش‌هایی که در معرض خطر نظامی و غیرنظامی، چه داخلی و چه خارجی قرار دارند، با استفاده از همه‌ی امکانات است. روی این ملحوظ، داشتن یک استراتژی امنیتی همه‌جانبه در سمت‌وسو دادن قوت‌ها و انرژی در حول منافع ملی یک کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امنیت ملی

در کنار دیگر مسایل حیاتی‌ای که شایسته‌ی انعکاس در استراتژی امنیتی دانسته می‌شود، امنیت ملی شاخص‌ترین مسئله‌ی حایز ذکر در استراتژی ملی است.

امنیت ملی چیست؟

جهانی شدن، تمامی ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده‌است. به همین دلیل، با انواع مباحث و گفتمان‌ها در جهانی‌شدن مواجهیم که جهانی‌شدن گفتمان امنیت و امنیت ملی، یکی از آن‌ها است.

امنیت ملی، به‌عنوان یک پدیده پویا همیشه دچار نوسان بوده است؛ بنابراین، در یک رویکرد جامعه‌شناسانه، امنیت ملی مانند سایر پدیده‌های زنده و محرک در مسیر زمان تعریف‌های متفاوتی به خود گرفته که امروزه ما نمی‌توانیم یک تعریف واحد از امنیت ملی ارایه بکنیم؛ اما در یک تعریف جامع‌تر: «امنیت ملی عبارت از توانایی یک دولت-ملت در امر پاسداری و صیانت از ارزش‌های ملی در زمان حال و آینده، در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است». استوار بر پندار یادشده، زمانی یک کشور می‌توان مصون از گزندها باشد که تعریف و شناخت جامع از نقاط قوت و آسیب‌پذیری خود داشته و ظرفیت تقویت نقاط قوت و توان کاهش نقاط ضعف خود را در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی داشته باشد.

روی این اصل، تعریف کلی و غیرنظامی‌ای که می‌توان از امنیت ملی ارایه کرد؛ عدم وجود خطر و تهدید در برابر ارزش‌های ملی همراه با عدم ترس و رعب از این‌که ارزش‌ها به معامله گرفته شود، است. هرچند امنیت ملی، مانند دیگر پدیده‌های سیاسی-اجتماعی، یک پدیده غیرثابت و در حال تغییر بوده و در جوامع مختلف به سویه‌ها و درجه‌های گوناگی وجود دارد.

از رهگذر زمانی، امنیت ملی در سه مقطع زمانی گذشته، حال و آینده مصروف بوده و سروکار دارد. بر علاوه زمان گذشته، حال و آینده و ارزش‌هایی که احتمال خلق‌شان در آینده جزو توقعات شهروندان قلمداد

> **اصولاً استراتژی امنیتی باید دربرگیرنده همه‌ی حالت‌های دفاعی و تهاجمی، غرض حفظ و پاسداری از ارزش‌هایی که در معرض خطر نظامی و غیرنظامی، چه داخلی و چه خارجی قرار دارند، با استفاده از همه‌ی امکانات است. روی این ملحوظ، داشتن یک استراتژی امنیتی همه‌جانبه در سمت‌وسو دادن قوت‌ها و انرژی در حول منافع ملی یک کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.**

می‌شود. هم‌چنان جزو دغدغه‌های کلیدی امنیت ملی یک کشور است. این‌که چرا در افغانستان نگاه به امنیت ملی، خیلی سطحی و معطوف بر مسایل بسیار خرد و ریز است، برمی‌گردد به نبود درک مناسب کارگزاران از جوهر امنیت ملی. در صورتی که امنیت ملی، به مفهوم عدم وجود تهدید به ارزش‌های مهم ملی یک کشور که شامل «حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، رفاه اقتصادی و استقلال سیاسی» است، تعریف می‌گردد.

در امنیت به مفهوم وسیع کلمه، تهدید به‌عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر قابل‌فهم است و باید تدابیر بازدارنده غرض مهار تهدیدها گرفته شود.

برای تأمین امنیت ملی، طرق و روش‌های متعددی وجود دارد. از مجموع روش‌های مرسوم برای تأمین امنیت ملی، چهار روش آن مهم و حایز تذکر دانسته می‌شود:

۱. هویت شناسی موردی چالش‌ها و تلاش در جهت رفع آن؛

۲. تعریف نقاط ضعف و آسیب‌پذیر و اتخاذ تدابیر لازم در جهت کاهش آن؛

۳. تعریف تهدیدها و تلاش غرض کاهش و یا رفع تهدیدها؛

۴. تبدیل کردن قدرت، به اقتدار و بومی‌سازی امنیت و تعریف منافع طیف‌های تأثیرگذار در تأمین امنیت.

تطبیق یک‌سان قانون، پیش‌بینی مجازات سنگین بالای مجرم‌ها، کوتاه‌سازی دست باندهای مخرب از بدنه‌ی اجرایی نهادهای عدلی و دستگاه اجرایی دولت، مسایلی است که در کنار چهار روش یادشده بالا می‌تواند در نهادینه شدن امنیت ملی، کمک شایانی داشته باشد.

موارد یادآوری ازجمله روش‌های مهمی است که در تأمین امنیت می‌تواند مؤثر واقع شود. هرچند که روش‌های دیگری هم در امر تأمین امنیت وجود دارد که در حوصله این بحث نمی‌گنجد.

افغانستان هرچند در این شرایطی که میزان آسیب‌پذیری و نقاط ضعفش بیش‌ازحد بالا است، شاید قادر به مهار آسیب‌پذیری کامل و کاهش نقاط ضعف امنیتی‌اش نباشد؛ اما اگر نگاه به مسایل مهم، نگاه استراتژیک باشد و در یک منشور منظم و واقع‌بینانه، تعریف درستی از تهدیدها داشته باشیم، می‌توان گراف آسیب‌پذیری امنیتی را به حداقل رساند.

بی‌تردید مهار کامل آسیب‌پذیری‌ها هزینه‌ی هنگفت مالی می‌طلبد. مصارفی که پرداختش در توان حکومت فعلی افغانستان نیست؛ اما در صورت داشتن یک استراتژی همه‌جانبه امنیتی، با توجه به وابستگی متقابل امنیتی جهان با افغانستان، مصارف محتمل با کمک جامعه جهانی، فایق آمدن به این امر ممکن است.

تدوین یک استراتژی امنیتی قابل اجرا

مسایل مهم، همیشه در ذهن انسان‌ها به‌راحتی شکل می‌گیرد اما؛ بستر اجرایی نظریه‌ها و طرح‌ها همواره چالش‌برانگیز بوده است. این امر به‌ویژه برای دولت‌هایی که از توان عملیاتی کمتری برخوردارند، دشوارتر بوده است. طرح استراتژی امنیتی مدون نیز خالی از این چالش نیست.

به‌عبارت‌دیگر، با توجه به واقعیت‌های موجود جامعه افغانستان، استراتژی امنیتی قابل اجرا چگونه باید باشد؟ بدون شک هر طرح و برنامه‌ای، در بعد تطبیقی نیازمند یک سلسله شرایط عینی-ذهنی و بستر مناسب عملیاتی است:

۱. استراتژی باید برآمده از دل وضعیت و شرایطِ موجود باشد؛

۲. با ارزش‌های ملی هم‌خوانی داشته باشد؛

۳. با قاعده وسیع و همه‌جانبه باشد؛

٤. واقع‌بینانه باشد.

یکی از علت‌های کلیدی شکست روند حکومت‌داری خوب در افغانستان و در کل شکست دموکراسی با میلیاردها دالر سرمایه‌گذاری جامعه جهانی، عدم سنخیت و وارداتی بودن ارزش‌ها در بعد تطبیقی بوده است. این امر در افغانستان در تمام سطوح، از حکومت‌داری تا برنامه‌های توسعه‌ای محسوس است.

بنابراین، هر گامی که در جهت تأمین امنیت ملی برداشته می‌شود، باید دقیق و در شعاع اقتضای زمان و شرایط سیاسی-امنیتی کشور برداشته شود. در غیر آن محکوم به شکست خواهد بود.

در هرحال وضع موجود در کشور، زاده یک سلسله تحرکات عامدانه و عاقلانه‌ی کسانی است که بدون تعقل سیاسی و امنیتی، ترتیبات سیاسی-امنیتی را مورد دست‌خوش قرار داده و همه‌چیز را از منظومه اصلی آن منحرف ساخته‌اند.

امروزه در چگونگی سمت‌وسو دادن نظم جهان، کشورهایی نقش بارز دارند که قدرت نظامی و اقتصادی بیشتری دارند. برای رسیدن به کشوری باعزت و قابل حساب برای دیگران، چاره‌ای جز خوداتکایی و قوی شدن و بومی شدن قدرت دفاعی نداریم. وابستگی شدید اقتصادی-نظامی، بدون استراتژی مدون امنیتی، ما را به یک کشور ضعیف و مطیع قدرت‌های منطقه و فرامنطقه مبدل کرده است.

ضرورت تدوین استراتژی امنیتی

هر کشوری برای بقای خود در چارچوب اهداف جیوپولیتک‌اش فراتر از مرزهای خاکی خود تلاش و تقلا می‌کند. کشور قطر با جغرافیای پنج مرتبه کوچک‌تر از ولایت هرات و جمعیتی سه مرتبه کمتر از کابل، توانسته است با تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌ای، کلید صلح و جنگ افغانستان را در انحصار خود داشته باشد، چرا ما به عنوان یک ملت با قدمتی چندین هزارساله نتوانیم بر سرنوشت خود حاکم باشیم.

این امر نیک، زمانی به واقعیت مبدل می‌شود که ما برنامه داشته باشیم و در استراتژی امنیتی خود، در کنار تعریف تهدیدات و فرصت‌ها، تعریف مشخص‌تری از دوست و دشمن داخلی و خارجی این خطه داشته باشیم.

بنابراین، نبود استراتژی امنیتی که یک بخش کلیدی آن معطوف بر تهدیدات خارجی است، سفارت‌خانه‌های افغانستان در بیرون، به آسایشگاه و تنبل‌خانه شخصیت‌های فرتوت مبدل شده است. امروز ضعیف‌ترین آدم‌ها به نمایندگی از دولت افغانستان به نام سفیر به بیرون از کشور فرستاده می‌شوند. این در حالی است که بیشترین تهدید در برابر منافع ملی و ارزش‌های ملی مردم افغانستان، ریشه در بیرون از کشور دارد.

ویژگی‌های استراتژی امنیتی خوب

یک استراتژی موفق امنیتی، بر علاوه‌ی حکومت‌داری خوب، دارای سه ضلع اساسی است: نظامی، اقتصادی و دیپلوماتیک.

بنابراین، ایجاد موازنه بین اضلاع فوق، شرط موفقیت استراتژی امنیتی است. طوری که یادآوری شد، چندبعدی بودن امنیت، مسئله‌ی مهمی است که بدون توجه به آن فرایند تحلیل را به چالش می‌کشد و یکی از پیچیدگی‌های امنیت ملی، غیرقابل سنجش و پیمایش بودن است.

هیچ‌گونه شیوه مشخص و قابل‌اعتمادی در باب اندازه‌گیری سطح امنیت در یک کشور وجود ندارد. از جانب دیگر، امنیت پدیده نسبی‌ای بوده و مطلق و بدون تغییر باقی نمی‌ماند که این مسئله دو دلیل دارد:

۱. تغییر توقعات شهروندان از مفهوم امنیت؛

۲. پویا بودن امنیت.

آن‌چه می‌تواند سبب تأمین امنیت به مفهوم نسبی کلمه باشد، داشتن استراتژی امنیتی مبتنی بر پارامترهای محیطی و جغرافیایی یک کشور است. این‌که چه متغیرهایی می‌تواند در بعد تطبیقی موجب مؤثریت استراتژی امنیتی شود، بحثی است موردی و کارشناسانه؛ اما از جانب دیگر، نیازمندی‌های کلیدی که باید در تدوین استراتژی امنیتی بدان توجه شود، این‌گونه است:

۱. سنجش و محاسبه تهدیدهایی که متوجه ارزش‌های حیاتی یک کشور است؛

۳. دکترین نظامی یک کشور؛

۳. تشکیلات و ساختار قوت‌های دفاعی و امنیتی؛

۴. عقبه جبهه و میزان حمایت شهروندان از حکومت و برنامه‌های دفاعی.

استوار بر شاخص‌های بالا، اگر نگاهی به امنیت ملی افغانستان انداخته شود، متوجه خواهیم شد که وضعیت، به گونه‌ای شکننده شده است که با اندکی تغییر در محیط داخلی و یا خارجی افغانستان، همه‌ی ترتیبات سیاسی و امنیتی مورد دست‌خوش و دگرگونی قرار خواهد گرفت.

بر این اساس، توجه هم‌زمان به توسعه امنیتی-نظامی، در پرتو ارزش‌های امنیت ملی، می‌تواند میزان آسیب‌پذیری امنیتی افغانستان را به حداقل برساند. خلق و ایجاد عناصر مشترک در پندار و واکنش‌های امنیتی و سیاسی نیز می‌تواند منظومه منافع ملی را مستحکم‌تر از گذشته ساخته و آسیب‌پذیری را به پایین‌ترین حدش تنزیل دهد.

ادامه دارد...

بودجه ۱۴۰۰ در گرو مافیای نفت؛

آیا قراردادهای تیل از سند بودجه حذف خواهد شد؟

علی‌شیر شهیر
... گزارشگر

شماری از منابع در مجلس نمایندگان به روزنامه‌ی صبح کابل می‌گویند، یکی از دلایلی که بودجه سال ۱۴۰۰ در مجلس نمایندگان تصویب نمی‌شود این است که مافیای نفت، سند بودجه‌ی مالی ۱۴۰۰ را گروگان گرفته و نمی‌خواهند، قراردادهای نفت وزارت‌های دفاع و داخله‌ی افغانستان، شامل این بودجه شود. به گفته‌ی آن‌ها، مافیای نفت نفع‌شان را در باقی ماندن این قراردادها به دست «فرماندهی نیروهای مشترک انتقال برای افغانستان» یا سیستیکا (CSTC-A) می‌دانند.

برنامه انتقال مسئولیت تأمین روغنیات وزارت دفاع و داخله به حکومت افغانستان در ماه میزان ۱۳۹۸ ترتیب شده بود و قرار بود که این برنامه در ماه سرطان ۱۳۹۹ عملی شده و مسئولیت آن به‌تدریج به حکومت افغانستان واگذار شود؛ اما انتقال این مسئولیت به حکومت افغانستان بارها با تأخیر روبه‌رو شده است. در حال حاضر این برنامه به‌خاطر مسایل تدارکاتی و اختصاص نیافتن بودجه توسط حکومت افغانستان تا ماه جدی سال ۱۴۰۰ به تأخیر افتاده است.

در یک مکتوب رسمی سیستیکا-فرماندهی نیروهای مشترک انتقال برای افغانستان- که به دسترس روزنامه صبح کابل قرار گرفته، آمده است که این تأخیر در انتقال مسئولیت تأمین روغنیات، مصارف هنگفتی را بر سیستیکا وارد کرده است.

در این مکتوب هم‌چنان آمده است که وزارت مالیه‌ی افغانستان باید حدود ۷ میلیون و ۳۲۴ هزار و ۴۵۱ لیتر تیل را به شمول ۱۰ درصد افزایش، برای زمستان ۱۳۹۹ به وزارت امور داخله و هم‌چنان حدود ۴۰ میلیون دالر را برای تیل دیزل در ماه جوزای سال ۱۴۰۰ باید برای وزارت دفاع تخصیص دهد. براساس برنامه امنیتی، قرار است انتقال مسئولیت تأمین روغنیات به‌تدریج به حکومت افغانستان واگذار شود و در ختم سال ۲۰۲۱، این روند کاملاً به عهده‌ی حکومت افغانستان قرار گیرد.

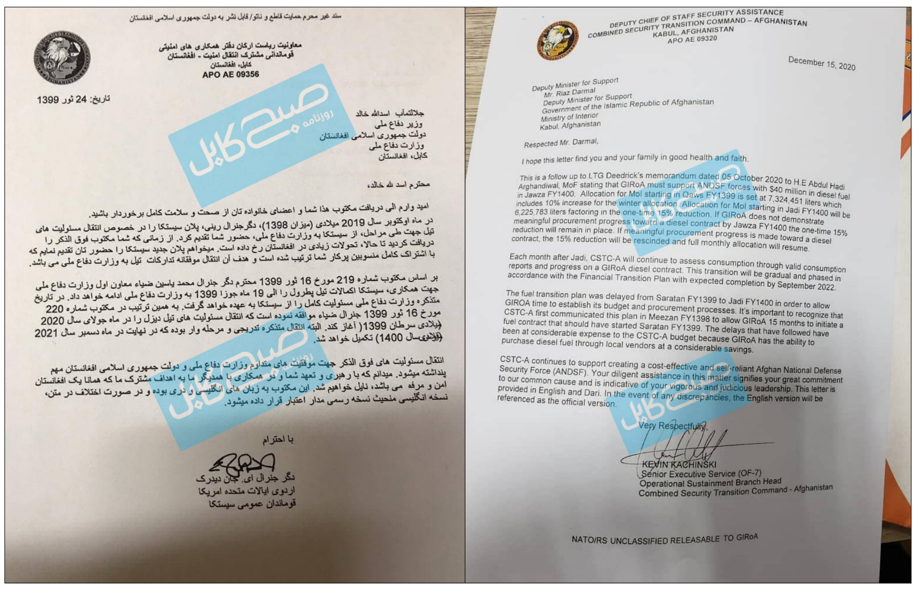

سند غیر محرم حمایت قاطع و ناتو/ قابل نشر به دولت جمهوری اسلامی افغانستان

معاونیت ریاست ارکان دفتر همکاری های امنیتی
قومانداني مشترک انتقال امنیت - افغانستان
کابل، افغانستان
APO AE 09356

تاریخ: 24 ثور 1399

جلالتمآب اسدالله خالد
وزیر دفاع ملی
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت دفاع ملی
کابل، افغانستان

محترم اسد الله خالد،

...

با احترام

دگر جنرال ای. جان دیدرک
اردوی ایالات متحده امریکا
قوماندان عمومی سیستکا

DEPUTY CHIEF OF STAFF SECURITY ASSISTANCE
COMBINED SECURITY TRANSITION COMMAND – AFGHANISTAN
KABUL, AFGHANISTAN
APO AE 09320

December 15, 2020

Deputy Minister for Support
Mr. Riaz Darmal
Deputy Minister for Support
Government of the Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Interior
Kabul, Afghanistan

Respected Mr. Darmal,

I hope this letter find you and your family in good health and faith.

This is a follow up to LTG Deedrick's memorandum dated 05 October 2020 to H.E Abdul Hadi Arghandiwal, MoF stating that GIRoA must support ANDSF forces with $40 million in diesel fuel in Jawza FY1400. Allocation for MoI starting in Qaws FY1399 is set at 7,324,451 liters which includes 10% increase for the winter allocation. Allocation for MoI starting in Jadi FY1400 will be 6,225,783 liters factoring in the one-time 15% reduction. If GIRoA does not demonstrate meaningful procurement progress toward a diesel contract by Jawza FY1400 the one-time 15% reduction will remain in place. If meaningful procurement progress is made toward a diesel contract, the 15% reduction will be rescinded and full monthly allocation will resume.

Each month after Jadi, CSTC-A will continue to assess consumption through valid consumption reports and progress on a GIRoA diesel contract. This transition will be gradual and phased in accordance with the Financial Transition Plan with expected completion by September 2022.

The fuel transition plan was delayed from Saratan FY1399 to Jadi FY1400 in order to allow GIRoA time to establish its budget and procurement processes. It's important to recognize that CSTC-A first communicated this plan in Meezan FY1398 to allow GIRoA 15 months to initiate a fuel contract that should have started Saratan FY1399. The delays that have followed have been at considerable expense to the CSTC-A budget because GIRoA has the ability to purchase diesel fuel through local vendors at a considerable savings.

CSTC-A continues to support creating a cost-effective and self-reliant Afghan National Defense Security Force (ANDSF). Your diligent assistance in this matter signifies your great commitment to our common cause and is indicative of your vigorous and judicious leadership. This letter is provided in English and Dari. In the event of any discrepancies, the English version will be referenced as the official version.

Very Respectfully,

KEVIN KACHINSKI
Senior Executive Service (OF-7)
Operational Sustainment Branch Head
Combined Security Transition Command - Afghanistan

NATO/RS UNCLASSIFIED RELEASABLE TO GIRoA

با این حال شماری از نمایندگان مردم در مجلس نمایندگان، فشار مافیای نفت را برای تأخیر انتقال این مسئولیت به حکومت افغانستان تأیید می‌کنند و می‌گویند که تأخیر در تأیید سند بودجه‌ی مالی ۱۴۰۰ نیز ربطی نسبی به همین مسئله دارد.

کمال ناصر اصولی، عضو مجلس نمایندگان به روزنامه‌ی صبح کابل می‌گوید که برخی از اشخاصی که شرکت‌های‌شان با امریکایی‌ها قرارداد دارد، می‌خواهند پول روغنیات وزارت‌های دفاع و داخله از بودجه‌ی مالی ۱۴۰۰ بیرون شود تا این پول دوباره از طریق امریکایی‌ها قرارداد شود.

او تأکید می‌کند که در کنار سه دلیلی که تااکنون مجلس نمایندگان سند بودجه ۱۴۰۰ را تأیید نکرده– ازجمله توازن در بودجه، یک‌سان‌سازی معاشات و مداخله حکومت در صلاحیت‌های مجلس نمایندگان- دلیل دیگر می‌تواند همین مسئله قراردادهای تیل باشد.

آقای اصولی می‌گوید: «در سال‌های گذشته، قراردادهای تیل وزارت‌های دفاع و داخله را خود امریکایی‌ها مستقیماً با تاجران می‌بستند؛ اما امسال، این پول را به حکومت داده و حکومت آن را در بودجه‌ی مالی شامل کرده است. برخی از اشخاصی که قبلاً با امریکایی‌ها قرارداد داشتند، می‌خواهند که این پول را از بودجه ملی بکشند تا دوباره از امریکایی‌ها این قراردادها را بگیرند.»

از سویی هم مریم سما، یکی از نمایندگان دیگر مجلس نمایندگان افغانستان با انتقاد از تصمیم اخیر مجلس برای رد دومین بار سند بودجه ۱۴۰۰، می‌گوید که این بودجه هیچ‌گاهی به هدف اصلاح از سوی نمایندگان رد نشده است. او هدف‌های شخصی برخی نمایندگان را دلیل اصلی رد این بودجه می‌داند.

خانم سما به روزنامه صبح کابل می‌گوید: «یک تعداد بودجه را تصویب نمی‌کنند، نه به‌خاطر منافع مردم و متوازن‌شدن بودجه؛ بلکه به‌خاطر گرفتن امتیاز و پروژه‌های میلیونی‌ای است که این پروژه‌ها را هم شرکت‌های همین تعداد آدم‌ها اخذ می‌کنند. من موافق اصلاحات و متوازن شدن بودجه در تمام ولایات، بدون تبعیض هستم اما؛ آن‌چه منجر به فربه‌تر شدن دزدان شود را نمی‌پذیریم.»

همچنان ناصر تیموری، رییس دادخواهی و ارتباطات دیدبان شفافیت افغانستان، می‌گوید که اضافه‌کردن ضمیمه بودجه و گنجاندن پروژه‌های نمایندگان، یک کار غیرمعیاری و غیرمشروع است. او تأکید دارد که حکومت و قوه اجراییه نیز روند شفافیت و غیرسیاسی برای تهیه بودجه انکشافی را و انتخاب پروژه‌های انکشافی ایجاد نکرده است.

آقای تیموری به روزنامه صبح کابل تأکید می‌کند: «قوه اجراییه و حکومت، اکثریت پروژه‌های انکشافی را به اساس فشارهای سیاسی داخل و بیرون از دولت اضافه می‌کند و نقش مردم بسیار اندک است. ما امید داریم که بحث‌ها روی بودجه ۱۴۰۰ باعث اصلاحات بنیادی در بودجه ملی شود.»

چرا قرارداد تیل وارد سند بودجه ملی شد؟

سهم حمایت‌کنندگان افغانستان ازجمله «لتفا» و «سیستیکا» در بودجه‌ی بخش امنیتی، میزان قابل‌ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد. به گونه‌ی نمونه، سهم کمک‌های حمایت‌کنندگان در بودجه‌ی وزارت امور داخله افغانستان در سال مالی ۱۳۹۵، بیشتر از ۸۵ درصد بوده است. این میزان در سال‌های بعدی بیشتر به دولت افغانستان انتقال کرده است و در جریان سال مالی ۱۳۹۹ سهم دولت افغانستان در این بخش به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است.

آمارهای وزارت مالیه‌ی افغانستان نشان می‌دهد که تنها هزینه‌ی روغنیات این دو وزارت کلیدی افغانستان، بیشتر از ۱۲ میلیارد افغانی است. نظر به برنامه‌ی امنیتی حکومت، قرار است این مسئولیت نیز به دولت افغانستان انتقال کند. به باور حکومت افغانستان، قرارداد روغنیات به شمول تیل دیزل و پترول که توسط حمایت‌گران از جمله «لتفا» و «سیستیکا» تمویل می‌شود، هزینه‌ی گزافی در بر دارد. از سویی هم تمامی این قراردادها، معافیت مالیاتی داشته و تابع هیچ‌نوع مالیه‌ای نیست.

با این حال، شامل شدن این پول در بودجه‌ی ملی افغانستان، شرکت‌های طرف قرارداد را تابع مالیه خواهد کرد؛ دلیلی که سبب شده شماری از اعضای مجلس نمایندگان، تأکید بر تمویل این قراردادها از طریق تمویل‌گران خارج از بودجه-off budget-باشند.

وزارت مالیه در جریان سال مالی، بیشتر از ۳٫۵ میلیارد افغانی را با در نظرداشت برنامه انتقال مسئولیت امنیت مالی از تمویل‌کننده به دولت افغانستان در بودجه سال مالی ۱۴۰۰ برای تیل در نظر گرفته است.

اقلامی که از تمویل‌گر انتقال داده شده و شامل بودجه سال مالی ۱۴۰۰ شده است:

وزارت امور داخله		وزارت دفاع	
دیزل (بطور قسمی)	۱,۶۳۲,۰۰۰,۰۰۰	دیزل (بطور قسمی)	۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
پطرول (بطور کلی)	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	پطرول (بطور کلی)	۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰
البسه (بطور کلی)	۲,۱۰۴,۹۶۶,۸۴۰	انتقالات هوایی (بطور کلی)	۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰
برق (بطور کلی)	۱,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	برق (بطور کلی)	۶۲۵,۰۰۰,۰۰۰
گاز و چوب (بطور کلی)	۱,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰	اعمار ساختمان ها (بطور کلی)	۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰

خرید روغنیات-پترول و دیزل-وزارت دفاع ملی یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موارد خریداری حکومت افغانستان به شمار می‌رود. بررسی‌های حکومت افغانستان و اداره سیگار-تفتیش کمک‌های مالی ایالات‌متحده-در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که در اثر تبانی میان شرکت‌های داوطلب، به ارزش میلیون‌ها دالر، پول از منابع عامه در این قراردادها حیف‌ومیل شده است.

این قراردادها با قیمت هر لیتر تیل پترول لات اول ۱٫۳۲ دالر، لات دوم ۱٫۳۵۵ دالر، لات سوم ۱٫۳۳ دالر، لات چهارم ۱٫۳۲ دالر، لات پنجم ۱٫۲۵۸ دالر، لات ششم ۱٫۳۰ و لات هفتم ۱٫۱۸ و قیمت تیل دیزل لات اول ۱٫۳۱ دالر، لات دوم ۱٫۳۴۵ دالر، لات سوم ۱٫۳۱ دالر، لات چهارم ۱٫۳۱ دالر، لات پنجم ۱٫۲۴۸ دالر، لات ششم ۱٫۲۹ دالر و لات هفتم ۱٫۱۷ دالر امریکایی که قیمت مجموعی آن بالغ به ۹۹۹,۴۵۶,۹۳۶ دالر امریکایی می‌شد، به تاریخ ۲۲ سنبله ۱۳۹۳ برای مدت سه سال عقد قرارداد شده بود.

بر اساس بررسی و تفتیش‌های انجام شده توسط نیروهای بین‌المللی حمایت قاطع، اداره سیگار و نهادهای ملی، این قرارداد به دلیل فساد موجود، فسخ شد و حکومت با نیروهای بین‌المللی حمایت قاطع تفاهم کرد که پروسه تدارک موقت تیل آغاز شود. بر این اساس، از شرکت‌هایی که مورد تأیید مرجع تمویل‌کننده-فرماندهی نیروهای مشترک انتقال برای افغانستان- قرار داشتند، به‌گونه‌ی فوری نرخ‌گیری شد.

نام شرکت	نرخ ارایه شده فی لیتر به دالر (پترول)	نرخ ارایه شده فی لیتر به دالر (دیزل)	اوسط قیمت مجموعی هر شرکت
شرکت‌های مشترک آریا تارگت پطرولیم و سی فی گروپ	0.89 دالر آمریکائی (اوسط قیم)	0.88 دالر امریکائی (اوسط قیم)	15,085,275.96
فیدلیس لوژستیک و سپلای سروسیس	0.769 دالر آمریکائی (اوسط قیم)	0.758 دالر امریکائی (اوسط قیم)	12,992,318.99
خاواک پطرولیم	0.858 دالر آمریکائی (اوسط قیم)	0.859 دالر امریکائی (اوسط قیم)	14,726,008.09
ناردرن افغانستان لوژستیک سیرویسیز	0.758 دالر آمریکائی (اوسط قیم)	0.746 دالر امریکائی (اوسط قیم)	12,796,101.43
احمدزی گروپ	0.950 دالر امریکائی (اوسط قیم)	0.905 دالر امریکائی (اوسط قیم)	15,526,454.55
هر شرکت باید به 55 موقعیت مورد نیاز وزارت محترم دفاع ملی قیمت ارائه می‌نمود. قیمت‌ها برای هر موقعیت متفاوت ارائه گردیده است بناءً حد اوسط فی لیتر دیزل و پطرول و حد اوسط قیمت مجموعی هر شرکت فوقاً ارائه گردید.			

پنج شرکتی که از طرف نیروهای بین‌المللی حمایت قاطع، قبلاً مورد تأیید قرار گرفته بود، نرخ‌های‌شان را برای یک ماه ارایه کردند. این شرکت‌ها شامل، شرکت‌های مشترک آریا تارگیت پترولیم و سی‌فی گروپ، فیدلیس لوژستیک و سپلای سرویس، خاواک پترولیم، ناردرن افغانستان لوژسیتک سرویس و احمدزی گروپ می‌شدند.

سرانجام شرکت خدمات لوژستیکی ناردرن افغانستان (Northern Afghanistan Logistical Services) با تکمیل کردن معیارها و ارایه پایین‌ترین نرخ، واجد شرایط شناخته شد و قرارداد موقت یک‌ماهه به قیمت مجموعی ۱۲ میلیارد و ۲۹۹ میلیون و ۶۶۶ هزار و ۶۳ دالر امریکایی به آن عقد شد.

بنا بر بی‌نتیجه ماندن پروسه داوطلبی، بر اساس پیشنهاد وزارت دفاع ملی این قرارداد با شرکت خدمات لوژیستیکی ناردرن افغانستان برای بار نخست به مدت یک ماه و بعداً با اساس پیشنهاد مجدد وزارت دفاع ملی برای مدت شش ماه بعد از منظوری اداره سیستیکا (CSTC-A) با استفاده از روش تدارکاتی منبع واحد عقد قرارداد شد.

تجدید
د افغانستان اسلامي جمهوریت
د افغانستان دپانگې اچونې دملاتړ اداره
اداره حمایه سرمایه گذاری افغانستان
AFGHANISTAN INVESTMENT SUPPORT AGENCY

جواز سرمایه‌گذاری / د پانگې اچونې جواز
Investment License
License No. I-47905

Northern Afghanistan Logistic Services

The holder(s) of this license has/have registered their company in accordance with the Private Investment Law of Afghanistan; and has/have the right to operate in compliance with legal frameworks of Afghanistan.

Date of Issue: 4/3/2015 1393/12/13
1393/12/13 1394/12/12
04/03/2015 02/03/2016

کمیسیون تدارکات ملی افغانستان به‌خاطر جلوگیری از سکتگی در امور وزارت دفاع ملی به اساس بند چهارم ماده هژدهم قانون تدارکات و حکم بیست‌وپنجم احکام طرزالعمل تدارکات، طی فیصله شماره‌ی ۶۱ خویش قرارداد تیل متذکره را برای شش ماه از تاریخ نهم جوزا ۱۳۹۴ تا هشتم قوس ۱۳۹۴ از طریق منبع واحد با عین نرخ‌ها، با شرکت خدمات لوژستیکی ناردرن افغانستان منظور کرد.

به اساس آمارهای اداره تدارکات ملی افغانستان، در نتیجه‌ی فسخ قرارداد سابق تیل وزارت دفاع و عقد قرارداد موقت، در همان سال نخست، نزدیک به ۸۷ میلیون دالر صرفه‌جویی مالی صورت گرفته است.

وزارت مالیه‌ی افغانستان می‌گوید که حکومت افغانستان با انتقال این پول و شامل‌شدن آن به بودجه‌ی ملی، می‌تواند صرفه‌جویی بیشتری در مصرف این پول‌ها کند.

با این وجود مجلس نمایندگان افغانستان، همسان‌سازی معاشات کارمندان دولت و عدالت در تقسیم پروژه‌ها میان ولایات را دلیل رد بودجه سال ۱۴۰۰ عنوان کرده است.

مرز باریک میان جنگ و صلح و دموکراسی شکننده

خوانشی از عکس محب علی

نصیر ندیم

محب علی

نمایش تحجر و شور زندگی، ناکجاآباد واقعی کشوری که مردمش را در میان بیم و امید نگهداشته است. پیوسته وجود انسان زیربار کلان روایت‌ها استخوان خورد کرده و در میان کلان روایت‌هایی اجتماعی؛ جنگ و صلح، تاثیر عمیقی بر فرسایش روح جمعی انسان‌ها دارد.

افغانستان را می‌شود موزه‌ی جنگ نامید؛ موزه‌ای که خیابان به خیابان جنگ را به سطح و گونه‌هایی متفاوت نمایش می‌دهد؛ انسان‌هایی که پاها و دست‌ها و ذهن شان را به خدمت جنگ گذاشته‌اند، ساختمان‌هایی که در جنگ تخریب شده‌اند، سرک‌هایی که هر لحظه امکان پرورش جنگ را در خود دارند. یا می‌شود گفت: خیابان خالق جنگ است، شبیه به موزه‌هایی که هنرمندان خاص را برای تولید آثار خودش دارد؛ اما هنرمندان این موزه، تولید جنگ را اثر هنری خود به حساب می‌آورند.

عکس‌های آثار هنری این موزه، در انترنت و فضای مجازی، آن‌قدر زیاد است که راحت می‌شود با دیدن آن‌ها، گذشته را تصور کرد؛ گذشته‌ای که با خمپاره و مرگ نوشته شده است؛ اما در این میان، آن‌چه عکس محب علی را خاص می‌کند، ساختار به هم گره خورده‌ای از روایت‌های گذشته، حال و آینده‌ی این موزه است.

در تصویر محب علی، یک ساختمان چهار طبقه و یک خیابان را می‌بینیم که سه وضعیت را به هم گره زده است؛ نمای اول که بالا قرار گرفته، نماد جنگ است که سه طبقه از ساختمان چهار طبقه‌ای را به خود اختصاص داده، در سطح بالایی یا نمای اول؛ وضعیتی است که بر گذشته‌ی ما چیره بوده و حال ما را تهدید می‌کند و در نمای دوم یا وسط؛ کالاهای رنگی را در تن مانکن‌ها می‌بینیم که می‌تواند نمایش دموکراسی بر تنه‌ی جنگ باشد.

نمای سوم و پایانی؛ مردم افغانستان است که در میان اکنون و گذشته، رفتن و ماندن سرگران‌اند و لباس‌هایی را برای خریدن بالا و پایین می‌کنند که کهنه‌اند؛ لباس‌هایی که مردم خرید می‌کند، ربطی به دموکراسی و متاعش ندارد.

افغانستان را می‌شود موزه‌ی جنگ نامید؛ موزه‌ای که خیابان به خیابان جنگ را به سطح و گونه‌هایی متفاوت نمایش می‌دهد؛ انسان‌هایی که پاها و دست‌ها و ذهن شان را به خدمت جنگ گذاشته‌اند، ساختمان‌هایی که در جنگ تخریب شده‌اند، سرک‌هایی که هر لحظه امکان پرورش جنگ را در خود دارند. یا می‌شود گفت: خیابان خالق جنگ است، شبیه به موزه‌هایی که هنرمندان خاص را برای تولید آثار خودش دارد؛ اما هنرمندان این موزه، تولید جنگ را اثر هنری خود به حساب می‌آورند.

عکسی به ظاهر ساده‌ی محب علی، پر از نمادهای افغانستان است؛ نماد جنگ و صلح، نماد اقلیت‌ها و نماد مهاجرت و مردم سرگردان، نماد دموکراسی که بر تن جنگ زده‌ی افغانستان ناخواسته پوشانیده شده است.

اگر این عکس را به صورت نمادین افغانستان فرض کنیم؛ نماد جنگ در بالای تصویر واقع شده است و از چهار طبقه سه طبقه‌اش را در گرو خود دارد که چیرگی جنگ بر دیگر وقایع را به گونه‌ی حقیقت انکارناپذیر نمایش می‌دهد؛ یعنی جنگ حرف اول را در افغانستان می‌زند و زندگی تمام شهروندان، تحت تاثیر همین پدیده‌ی استخوان خورد، قرار گرفته است. در سطح بالای ساختمان، جنگ فضایی بیشتری را به خود اختصاص داده که همان گذشته‌ی طولانی جنگ در تاریخ افغانستان است.

در این بخش، اشتهاری با خط نه چندان خوانا نصب شده است که می‌تواند توجیه جنگ با رسانه، توسط کسانی باشد که جنگ را سبب شده اند و یا نماد رسانه‌هایی باشند که در خدمت جنگ هستند. این لوح آگهی می‌تواند؛ نماد رسانه‌ها و نهادهایی باشند که جنگ وجودشان را تضمین می‌کند و با برنامه‌هایی از پیش ریخته شده در پی توجیه جنگ، هستند.

نمای دوم که قسمت پایانی ساختمان می‌شود؛ دکان‌هایی ساخته شده که در آن، مانکن‌های مزین با لباس‌هایی رنگارنگ از جایی که نشانه‌هایی جنگ تمام شده است، آویزان‌اند و مفهومی را می‌خواهد برساند؛ مرزی را میان جنگ و وضعیت جدید به گونه‌ی ناشیانه می‌کشد و دموکراسی را وارد ساختمانی کرده که بنیادهایش بر اساس جنگ گذاشته شده است. این ساختمان را باید از هم فرو می‌پاشیدند و دوباره می‌ساختند، اما از تن زخمی یک ساختمان که مرمت ندیده، چطور می‌شود چیزی را آویزان کرد که بر وزن او بیافزاید و بیم فروپاشی‌اش را بیش‌تر کند؟

در قسمت پایانی عکس، روی خیابان، مردم سرگردان افغانستان هستند که نمی‌دانند چی کار کنند و کجا بروند. مردم با مشغولیت‌شان در بازار، نشان می‌دهند که این بازار را دوست دارند؛ اما در بلندا جنگ را می‌بینند که بر همه چیز چیره شده است.

در واقع حقیقت افغانستان، همین‌گونه است. روی مخروبه‌هایی جنگ از ناچاری وضعیتی بنا شده که یک تکانه‌ی نه چندان قدرت‌مند، می‌تواند پایانش را بنویسد. حضور زن در این عکس دو گونه است که هر دو تحت تاثیر جنگ و فقر نگرانند و خرید سودای سنتی را بر دموکراسی ترجیح داده‌اند؛ یکی همان زن سنتی است که برقع دارد و دیگری زن جدید که با فضای جدید آشنا است؛ اما هر دو از کراچی‌هایی خرید می‌کند که بیش‌تر نماد سنت می‌تواند باشد. در تمام خیابان مقابل ساختمان، انسان‌های سرگردانی دیده می‌شود که به گونه‌ی نمی‌دانند چه کار کنند. آیا در زیر سایه‌ی جنگ بمانند و یا بروند؟ کسانی که در خیابان خریدار لباس هستند، به آن‌چه نماد دموکراسی است، توجه ندارند، بلکه خریدار لباس‌هایی هستند که نماد سنت حاکم است و روی کراچی‌ها در خیابان به فروش می‌رسد.

این عکس محب علی، گره خوردگی فضای سیاسی اجتماعی حاکم افغانستان را به گونه‌ی تاریخی روایت می‌کند، با این‌که عکس توانسته نمادهایی از جنگ و صلح و دموکراسی باشد، نگرانی شهروندان را نیز به خوبی بازتاب داده و می‌تواند روایت هنرمندانه از تاریخ کشور ما باشد.

گذار از سنت به نواندیشی دردناک است

[عزیز جعفری] پرهیز از جزم‌گرایی-دگم‌اندیشی-، دوری از مطلق اندیشی، پیروی از قواعد منطقی، نگاه مثبت به‌طرف مقابل و پرهیز از «عقل کل» پنداری، حداقل‌های یک گفت‌وگوی سازنده است. با این پیش‌فرض‌ها، زمینه یک گفتمان سازنده امکان‌پذیر است. در غیر آن گفت‌وگو دچار بن‌بست می‌شود. ادعای این‌که فرد فکر و اندیشه خود را حق‌به‌جانب پندارد و دیگران را نادرست، از بیخ و بن باطل است. اگر طرف‌های گفت‌وگو با این ذهنیت وارد بحث شوند، امکان بحث منطقی وجود ندارد.

ازاین‌رو، فرضیه نسبیت‌گرایی در حوزه اندیشه و تفکر، زمینه‌ساز نوعی از تعامل و تفاهم است. گفت‌وگوی اندیشمندانه رویکرد اثباتی و نفی‌ای ندارد؛ بلکه ماهیت افاده و استفاده را دارد. نفی و اثبات از پیامدهای کلام مستدل است، متکلم-سخن‌گو- باید قاعده را رعایت کند و کلام مستدل و منطقی کار خودش را می‌کند.

بدین لحاظ، رابطه‌ی کلام و متکلم، مانند رابطه‌ی تیر و تفنگ است؛ اگر تفنگ خوب عمل کند و نشانه هدفمند تعیین شده باشد، تیر کار خود را می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، پیامد وضعی یک‌کلام مستدل، تأثیرگذار و باعث متقاعدشدن طرف مقابل می‌شود.

گفت‌وگو با مخاطب جزم‌گرا، گفت‌وگو با یک آدم ناشنوا و کَر است. هر کس حرف خودش را می‌گوید و از دیگری را نمی‌شنود.

مطلق‌اندیش، در یک تعریف به این معنی است که فرد در همه‌ی موارد خود را برحق تلقی می‌کند و طرف مقابل را باطل می‌پندارد. ظرف چنین گفت‌وگوهایی بیشتر امور مذهبی و دینی است که فرد مطلق اندیش با تکیه به سلطه‌ی دینی و مذهبی‌ای که در جامعه وجود دارد گفته‌های خود را صحیح و درست جلوه می‌دهد.

ظرف فرهنگی یک گفت‌وگوی سازنده و مفید در اصل گفتمان مؤثر است. به هر میزانی که ظرفیت‌های فرهنگی یک جامعه تعامل‌پذیر باشد، اصل گفت‌وگو نیز تعامل ایجاد می‌کند.

بسترسازی ظرفیت‌های فرهنگی در گام نخست از آموزش، تعلیم و تربیت خوب و فراگیر آغاز می‌شود. در گام بعدی، منابع تغذیه‌ی فرهنگی؛ از کتاب‌خوانی، کتاب‌نویسی، برگزاری نشست‌های علمی-مشورتی و تولید برنامه‌های مفید رسانه‌های جمعی و نقش سازنده آن‌ها آغاز می‌شود.

برخورد سنت و نواندیشی و اصطکاک فراورده‌های این دو پدیده، گفت‌وگوها را دچار تنش می‌کند. دو طرف با مشت‌های گره کرده محکم بر مغز هم‌دیگر می‌کوبند.

گاهی در این «رینگ» مشت‌زنی، قواعد مبارزه نقض می‌شود و آن‌گاه تجددگراها و نوگراها دچار اقتدارگرایی فکری و کلامی می‌شوند و سنت‌گراها شمشیر تکفیر را از غلاف بیرون می‌آورند. ماهیت اکثر برخوردها-به‌ویژه در جوامع پس‌مانده-برخورد سنت و نوگرایی است.

دست‌آوردهای سنت، «دارایی و توانایی» یک عده افراد در جامعه سنتی و گاهی نیز «منبع» قدرت و اقتدار آن‌ها است. تردیدی نیست در این تقابل، گاهی خشونت‌هایی نیز به‌میان خواهد آمد.

یکی از چالش‌های سنت و تجدد، عدم درک برابر و مساوی طرفین از همدیگر است.

سنتی‌ها کمتر نوگراها را درک می‌کنند و در مقابل نوگراها هوای سنت‌گراها را دارند؛ زیرا تجددگراها از سنت عبور کرده و آن عرصه را تجربه کرده‌اند و با مشکلات و دشواری‌های آن آشنایند و نگاه مدارا گرایانه دارند؛ اما سنت‌گراها جزم‌اندیش و حاضر به امتیازدهی نیستند.

آن‌ها-سنت‌گراها- بر این باورند که چیزی را از دست می‌دهند. در حالی که عبور از سنت به تجدد، هیچ‌گونه ریزش فکری، فرهنگی و اخلاقی را در پی ندارد؛ بلکه یک نوع رویش است، تکامل است و پیشرفت. درد و رنج عبور یک فرد و یک جامعه از سنت به تجدد کمتر از درد «زایمان» نیست.

مطلق‌اندیش، در یک تعریف به این معنی است که فرد در همه‌ی موارد خود را برحق تلقی می‌کند و طرف مقابل را باطل می‌پندارد. ظرف چنین گفت‌وگوهایی بیشتر امور مذهبی و دینی است که فرد مطلق اندیش با تکیه به سلطه‌ی دینی و مذهبی‌ای که در جامعه وجود دارد گفته‌های خود را صحیح و درست جلوه می‌دهد.

حکومت موقت؛

تلاشی برای صلح یا تکرار تلخ تاریخ؟

[بیژن‌فروید/منبع:گندهارا/برگردان:ضیاناصری]

گفت‌وگوهای صلح میان نمایند دولت افغانستان و طالبان و در تنگنای عدم موافقت روی مسایل کوچک گیر مانده است.

طرف‌های درگیر جنگ روی کارشیوه‌های پیشبرد مذاکرات به توافق رسیده‌اند؛ اما هنوز روی یکی شدن «آجندا»ی گفت‌وگوها کار می‌کنند. نشست‌ها روی مسایل مهمی چون آتش‌بس دایمی و ساختار قدرت مشارکتی بعید به‌نظر می‌رسد.

خصومت و بی باوری‌های عمیق، مانع اصلی پیشرفت‌ها است و این فاصله‌ی بزرگی را روی مسایل کلیدی به میان آورده است. افزایش اختلاف‌ها میان طرف‌های مذاکره‌کننده، سبب تشدید خشونت‌ها شده است. هردو جناح-به‌ویژه طالبان- عملیات نظامی خود را تشدید بخشیده‌اند.

در میان درگیری‌های خونین، درخواست‌ها و فشارها بر اشرف‌غنی، برای شکل‌گیری حکومتی موقت که حضور طالبان نیز در آن تضمین شده باشد، افزایش یافته است. برخی از کارشناسان باور دارند که انتقال صلاحیت‌ها می‌تواند زمینه را برای توافق سیاسی و تقسیم قدرت فراهم کند. ایده حکومت موقت از سوی مقام‌های امریکایی مطرح شده و طالبان و حامیان خارجی‌شان – پاکستان به‌صورت محرمانه -از این طرح حمایت کرده‌اند.

طرفداران حکومت موقت، بر این باورند که ایجاد این حکومت می‌تواند منجر به پیشگیری از خشونت‌های بیشتر شود.

منتقدین حکومت موقت اما این کار را یک شیوه‌ی بحران‌زا می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که ایجاد حکومت موقت، سبب بروز تنش‌های بیشتر و درگیری‌های داخلی خواهد شد. مخالفین دولت موقت می‌گویند که این طرح از طرف جناح‌های مخالف برای سهیم شدن در قدرت، مورد حمایت قرار می‌گیرد.

یک بخش کلیدی توافق‌نامه سیاسی میان دولت امریکا و گروه طالبان، پایان جنگ و گفت‌وگو با دولت افغانستان بود و در سوی دیگر، گروه طالبان نیز خواهان خروج تمامی نیروهای خارجی از افغانستان شده است.

هنوز روشن نیست که آیا رییس‌جمهور منتخب امریکا-جو بایدن- که در ۲۵ جنوری وارد دفتر کاری‌اش می‌شود، به این مسئله پابند خواهد ماند یا خیر. حکومت افغانستان و طالبان به‌صورت مؤثر گفت‌وگوهای صلح را در چند هفته‌ی اخیر به تعویق انداختند و در انتظار اشاراتی از سوی اداره جدید ایالت متحده‌اند.

موضوع اجتناب‌ناپذیر

گفت‌وگوهای صلح افغانستان، معطوف بر تعیین آجندا است. از همه مهم‌تر، چه مسایلی و با کدام رویکرد از سوی دو جناح مورد بحث قرار خواهد گرفت.

هیئت گفت‌وگوکننده دولت، آتش‌بس دایمی را در اولویت کاری خود قرار داده اما؛ طالبان خواهان بحث روی تقسیم قدرت‌اند و تأکید دارند که تنها زمانی بر آتش‌بس توافق می‌کنند که پیشرفت در عرصه تقسیم قدرت در دولت آینده افغانستان در میان باشد.

حفیظ منصور یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده‌ی دولت افغانستان در تاریخ ۳ جنوری، به رسانه‌ها گفته بود که تشکیل دولت موقت یکی از عناوین اجتناب‌ناپذیر در این گفت‌وگو است، زیرا که ما خواهان آتش‌بس دایمی در این کشور هستیم اما طالبان با هیچ‌یک از اعضای درون دولت فعلی موافقت ندارند.

دکتر امین احمدی، یک عضو دیگر هیئت گفت‌وگو کننده در یک مصاحبه در تاریخ ۷ جنوری گفته است که جامعه بین‌المللی از طرح تشکیل حکومت موقت حمایت می‌کند و ما نمی‌توانیم خواسته‌ی جهان را نادیده بگیریم.

در همین حال، عطامحمد نور یکی از رهبران پرنفوذ افغانستان بر این باور است که ما نباید با طرح تشکیل حکومت «عبوری» مخالفت کنیم. ما باید از حکومت موقت برای رسیدن به یک وحدت ملی پشتیبانی کنیم.

این خواسته‌ها هم‌زمان با دیدار زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای مصالحه افغانستان که هفته پیش از کابل دیدار کرده، بیان شده است.

بر مبنای گزارش رسانه‌های داخلی، خلیل‌زاد با مقام‌های عالی‌رتبه افغانستان و زمام‌داران قدرت جهت بررسی نظریات آن‌ها در مورد حکومت موقت گفت‌وگو کرده است.

گل رحمان قاضی، چهره‌ی نزدیک به حامد کرزی رییس جمهور پیشین و یکی از کسانی که زلمی خلیل‌زاد با او ملاقات کرده، می‌گوید که سه گزینه مورد بحث است: یکم؛ شامل ساختن طالبان در ساختار دولت فعلی.

دوم؛ یک‌جا سازی دولت با طالبان است.

سوم؛ ایجاد حکومت موقت و یک دولت همه‌شمول است.

آن‌چه از ظاهر امر پیداست، دو گزینه اول، چندان مورد استقبال جامعه جهانی قرار نگرفته اما؛ در سوی دیگر، راس ویلسن، سرپرست سفارت امریکا در کابل، گفته است که امریکا از حکومت موقت حمایت نمی‌کند.

ویلسن در توییتی در تاریخ ۱۳ جنوری نگاشته است؛ دولت امریکا هیچ‌گاه حامی ایجاد حکومت موقت نبوده است. نتایج گفت‌وگوهای صلح در افغانستان مربوط به مردم افغانستان است و ما باورمندیم که نتایج این گفت‌وگوها انعکاس‌دهنده‌ی آرزوها و آرمان‌های مردم افغانستان باشد.

صلح یا کند قبر به دست خود؟

غنی که در انتخابات متشنج ۲۰۱۹ با کمترین رأی خود را برنده اعلام کرد، هفته پیش‌طرح حکومت موقت را رد کرده و گفته است که پنج سال حکومت خود را به پایان خواهد رساند. خلیل‌زاد قبل از برگزاری انتخابات ۲۰۱۹ به آقای غنی پیشنهاد ایجاد حکومت موقت را داده بود اما؛ این پیشنهاد

منتقدین حکومت موقت اما این کار را یک شیوه‌ی بحران‌زا می‌دانند. آن‌ها بر این باورند که ایجاد حکومت موقت، سبب بروز تنش‌های بیشتر و درگیری‌های داخلی خواهد شد. مخالفین دولت موقت می‌گویند که این طرح از طرف جناح‌های مخالف برای سهیم شدن در قدرت، مورد حمایت قرار می‌گیرد.

از طرف غنی رد شده است.

اشرف‌غنی در مصاحبه‌ای با شبکه خبری CNN گفت که هدف اصلی‌اش انتقال قدرت از طریق اراده مردم به رییس جمهوری منتخب بعدی است.

او هم‌چنان افزود که ما از آن نوع جامعه‌ای نیستیم که رویکرد قدیمی طالب دوباره بر ما تحمیل گردد. این یک صلح درون گور است.

سرور دانش، معاون دوم ریس جمهور اخیراً هشدار داده است که حکومت موقت باعث از هم گسیختن، فروپاشی و انحلال قانون اساسی خواهد شد.

منتقدان و متحدان اشرف‌غنی او را مقصر به تعویق انداختن پروسه صلح می‌دانند تا قدرتش را حفظ کند.

منتقدان می‌گویند که رییس جمهور غنی اطراف خود را با چهره‌های ثابت ضد طالب، ازجمله معاون اولش امرالله صالح رییس اسبق امنیت ملی، محصور کرده است.

غنی در این ماه، محمد محقق، یکی از چهره‌های اسبق ضد طالب را به‌عنوان مشاور خود گماشته است. سال قبل، رییس جمهور، محمد محقق،

چهره شناخته شده و بانفوذ هزاره‌ها را برکنار کرده بود.

منتقدان هم‌چنان اشرف‌غنی را به‌خاطر متوقف ساختن پروسه صلح به امید این که اداره بایدن برای خروج سربازان از افغانستان تجدیدنظر کند و حتا معامله صلح میان طالبان و امریکا از سر گرفته شود، متهم می‌کنند.

سقوط حکومت

فرهادی، تحلیلگر و یکی از مشاورین اسبق در دولت می‌گوید که اشرف‌غنی به یکی از چهره‌های قطب‌بندی شده مبدل شده و راه‌هایی که در آن امکان صلح وجود دارد را به تعویق می‌اندازد. طالبان، غنی را دست نشانده امریکا خطاب می‌کنند و از شامل شدن در سیستم سیاسی فعلی دولت ابا ورزیده‌اند.

فرهادی می‌افزاید: «به‌خاطر وضعیت اضطراری که ما در آن قرار داریم، افغانستان نمی‌تواند عهده‌دار این شود تا اشرف‌غنی پنج سال دوره‌ی ریاست جمهوری‌اش را به پایان برساند در حالی که روزانه ده‌ها تن جان‌شان را از دست می‌دهند.» بعد از خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان سقوط دولت و ناپایداری یک امر ممکن محسوب می‌شود.

نظر به گفته‌های فرهادی، راه‌حل، انتقال قدرتی است که منجر به ختم خصومت‌ها شده و جناح‌های جنگی را فرصت توافق روی حل‌وفصل‌های سیاسی می‌دهد.

او هم‌چنان می‌افزاید که برای ختم جنگ، از این که هیچ برنده‌ای در جنگ وجود ندارد، من انتظار شمولیت دولت افغانستان با طالبان و شمولیت طالبان با دولت افغانستان را ندارم. نیازمندی برای تشکیل ساختار دولت انتقالی مشتمل بر هر دو جناح موجود است.

از هم‌پاشیدگی بیشتر

مخالفان این طرح اما هم‌چنان می‌گویند که حکومت موقت یک طرح قبل از موقع است. برای اینکه دانسته شود، آیا طالبان حاضرند تا برای یک سازگاری سیاسی همکاری‌های مهمی داشته باشند یا خیر.

بنا بر دیدگاه ناظران، طالبان از موضع قدرت نسبی وارد گفت‌وگوهای صلح شده است. این گروه افراطی بنا بر تحت تسلط داشتن نیمی از ساحات کشور و برتری‌های نظامی، موقف محکمی را در گفت‌وگوها روی دست دارند.

در سایه موافقت طالبان و امریکا، نظامی‌ها امتیازات مهمی از واشنگتن کسب نموده‌اند که برجسته‌ترین آن، زمان مشخص برای خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان است.

مقام‌های افغان هراس از این دارند که طالبان در انتظارند تا نیروهای خارجی از افغانستان خارج شده و حکومت افغانستان را به زیر تسلط خود درآورند.

تعداد نیروهای امریکایی در افغانستان از ۵۰۰۰ به ۲۵۰۰ تن کاهش یافته که این کمترین آمار از سال ۲۰۰۱ تا به امروز است.

ایالت متحده به نمایندگی از افغانستان تعهدات بحث‌برانگیزی را با طالبان بسته است که از آن جمله رهایی ۵۰۰۰ زندانی طالب بود. در مقابل اما جنگجویان طالب پای‌بندی چندانی به تعهدات‌شان نداشته‌اند.

مخالفین می‌گویند که این توافق‌نامه به طالبان مشروعیت بین‌المللی و شناخت داده است، در حالی که باعث تخریب حکومت مورد حمایت غربی کابل شده است.

طالبان، برای برجسته‌سازی پیروزی‌شان در جنگ، طی هفته‌های پسین حملات‌شان را روی نیروهای دولتی و چهره‌های سیاسی و مدنی تشدید بخشیده تا حکومت کابل بیشتر زیر فشار قرار بگیرد.

داوود مرادیان، ریس انستیتیوت مطالعات استراتژیک افغانستان، می‌گوید که حکومت موقت زمانی باید مورد کاوش قرار گیرد که راهی به‌سوی پیشرفت باز کند و بخشی از مصالحه دوطرفه باشد و یا هم معامله کلی صلح باشد.

مرادیان می‌افزاید که در میان تحرکات سیاسی طالبان و گسترش نیرو، گفت‌وگوها درباره حکومت موقت فقط منجر به ازهم‌گسیختگی در حکومت شده و پیشرفتی در پروسه صلح به میان نخواهد آورد.

خاطرات شورش و خشونت‌هایی که پس از تصمیم دکتر نجیب‌الله، رهبر کمونیست افغانستان، برای برکناری او به میان آمد هنوز در اذهان اکثریت تازه است.

هدف بیانیه نجیب‌الله در سال ۱۹۹۲ هموارسازی زمینه برای یک حکومت موقت که مجاهدین، تحت حمایت امریکا که علیه قشون سرخ شوروی و نیروهای کمونیست می‌جنگیدند، در آن شامل بود؛ اما نه‌تنها این‌گونه نشد که به‌جای آن، نهادهای دولتی از هم گسیخت و یک جنگ خانمان‌سوز در گرفت و نهایتاً منجر به ظهور طالبان در ۱۹۹۶ شد.

اشرف‌غنی در ماه جون در واشنگتن اظهار داشت که اشتباه فاحش داکتر نجیب‌الله این بود که او اعلام استعفا کرد. او گفت: «لطفاً از ما نخواهید تا داستانی را که ما یک‌بار خواندیم، دوباره تکرار کنیم.»

یک امتیاز به‌نفع مجلس؛
کمیته‌ی مشترک ارزیابی طرح یک‌سان‌سازی حقوق کارمندان دولتی ایجاد شد

[صبح‌کابل] به دنبال جنجال‌های اخیر میان حکومت افغانستان و مجلس نمایندگان بر سر بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی، وزارت مالیه، اعلام کرده است که یک‌سان‌سازی حقوق کارمندان دولتی بدون درنظرداشت امکانات مالی و تحلیل عملی مالی، قابل تطبیق نیست.

وزارت مالیه، روز دوشنبه (۲۹ جدی)، با نشر اعلامیه‌ای، از پیشنهاد مجلس نمایندگان درباره‌ی پیش‌نویس بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی قدردانی کرده و گفته است که سه ماه پیش، رییس‌جمهور غنی موضوع یک‌سان‌سازی حقوق کارمندان دولتی را در نشست کابینه مطرح کرده بود. بر اساس اعلامیه، کابینه‌ی حکومت افغانستان، در چهاردهم عقرب سال جاری، طرح یک‌سان‌سازی حقوق کارمندان دولتی را به وزارت مالیه و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی ارایه کرد و تاکید شد که بودجه‌ی ذخیره‌شده از هزینه‌های غیرضروری و تجملی، به منظور رفاه کارمندان بخش‌های انکشافی به مصرف برسد. وزارت مالیه گفته است: «یک‌سان‌سازی و افزایش حقوق آموزگاران و سایر کارمندان دولتی، خواسته‌های مشروع است؛ اما بدون درنظرداشت امکانات مالی و تحلیل عملی مالی قابل تطبیق نیست.»

این وزارت، گفته است که بر اساس راهنمایی مقام ریاست‌جمهوری، به کمیته‌ی مشترکی وظیفه داده شده که امکان‌پذیری طرح افزایش حقوق را ارزیابی کرده و در زمینه‌ی تشخیص و تدارک منابع مورد نیاز، پیشنهادات عملی اش را به نشست کابینه ارایه کند.

پیش‌نویس اول بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی، بیش از ۴۵۲ میلیارد افغانی پیش‌بینی شده بود و از سوی مجلس نمایندگان رد شد.

به دنبال آن، چند روز پیش، پیش‌نویس دوم بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی که در آن ۲۰ میلیارد افغانی ازدیاد صورت گرفته بود نیز با اکثریت آرا از سوی مجلس نمایندگان رد شد.

مجلس نمایندگان، عدم یک‌سان‌سازی حقوق کارمندان دولتی، بیرون کردن ۱۱۳۱ پروژه‌ی ولایتی، در نظر گرفتن بیش از ۱۳ میلیارد افغانی در کود احتیاطی که روشن نیست در کجا مصرف می‌شود و جا دادن بیش از ۲ میلیارد افغانی در کودهای ۹۱ و ۹۲ را از مشکلات پیش‌نویس بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی عنوان کرده‌اند.

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان، گفته است که گنجانیدن طرح یک‌سان‌سازی حقوق کارمندان دولتی، خط سرخ این مجلس است.

کمی پیشتر، رییس‌جمهور غنی، در نشست کابینه، به رد بودجه‌ی سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی از سوی مجلس نمایندگان واکنش نشان داده و گفته بود که پارلمان جای حکومت را گرفته نمی‌تواند.

آقای غنی افزوده بود: «قانون اساسی وضاحت کامل دارد که تهیه و ارایه‌ی بودجه، کار قوه‌ی اجراییه است و مسئولیت پارلمان این است که یا تایید و یا رد کند. ما توان درج میلیاردها پروژه‌ی سلیقه‌ای را نداریم.»

امرالله صالح: زندانیان طالب باید اعدام شوند

امرالله صالح، معاون اول ریاست‌جمهوری، گفته است، یکی از دلایل افزایش ترورهای هدف‌مند در شهرهای بزرگ، این است که زندانیان طالب فکر می‌کنند در هر صورت مورد عفو قرار گرفته و برای فعالیت‌های تروریستی‌شان مجازات نمی‌شوند.

آقای صالح، روز دوشنبه (۲۹ جدی)، در برگه‌ی فیسبوکش نوشت: «یکی از راه حل‌های اساسی این چالش، اعدام شماری از بازداشت‌شدگان است. آن‌ها باید اعدام شوند تا درس عبرتی برای متباقی آن‌ها شود.»

به گفته‌ی او، در جریان ۸۰ روز گذشته، نیروهای امنیتی دست‌آورد چشم‌گیری داشتند و تروریستان بازداشت‌شده نیز به جرم شان اعتراف کرده‌اند؛ اما تمام امیدشان این بوده که روزی بدون هیچ گونه مجازاتی آزاد خواهند شد. او افزوده است: «این چالش باید حل شود و یکی از نکات اساسی خواهد بود که من به نشست شورای عالی حاکمیت قانون مطرح خواهم ساخت. تروریستی که بازداشت می‌شود، باید اعدام شود.»

آقای صالح، چندی پیش نیز گفته بود، طالبان داعشی در پیام کتبی هشدار داده‌اند که اگر کسی از زندانیان‌شان اعدام شد، کابل را به مسلخ شیعیان تبدیل خواهند کرد و افراد ربوده‌شده را سر خواهند برید. او گفته بود، طالبان داعشی بدانند که هیچ تهدیدی مانع این که چهره‌ی آن‌ها را همه‌روزه به مردم معرفی کنیم، نخواهد شد.

گفتنی است که از چند ماه به این طرف، همزمان با آغاز رسمی گفت‌وگوهای صلح افغانستان، سطح خشونت‌ها نیز افزایش یافته است. در کنار نبردهای همه‌روزه میان نیروهای امنیتی افغانستان و طالبان که در جریان آن به غیرنظامیان نیز تلفاتی وارد می‌شود، در جریان چند ماه گذشته، سطح ترورهای هدف‌مند و انفجار ماین‌های مقناطیسی نیز در کابل و سایر ولایت‌ها افزایش یافته است.

هرچند نهادهای امنیتی، بارها از بازداشت افراد به اتهام دست‌داشتن در ترورها و ماین‌گذاری‌ها خبر داده؛ اما این کار، تاثیر چندانی روی کاهش فعالیت‌های تروریستی نداشته است. به همین دلیل، شهروندان افغانستان بارها خواهان اعدام زندانیان طالب شده‌اند؛ خواستی که حکومت افغانستان هیچ‌گاهی به آن توجه نکرد.

تیفا: تصمیم برگزاری چهار انتخابات در سال آینده نگران‌کننده است

به‌دنبال اعلام آمادگی کمیسیون مستقل انتخابات و حکومت افغانستان برای برگزاری چهار انتخابات در ماه میزان سال آینده‌ی خورشیدی، بنیاد انتخابات شفاف افغانستان (تیفا)، گفته است که شرایط برای برگزاری انتخابات مساعد نیست.

در اعلامیه‌ای که روز دوشنبه (۲۹ جدی)، از سوی تیفا منتشر شده، آمده است که ناامنی، نبود بودجه و عملی نشدن اصلاحات کلیدی، از موانع اصلی بر سر راه برگزاری چهار انتخابات پیش رو است.

بر اساس اعلامیه، فضا برای مبارزات انتخاباتی فراهم نیست و همچنان شرایط برای حضور زنان در انتخابات پیش رو، ناممکن به نظر می‌رسد. تیفا، تاکید کرده که با توجه به شرایط، تصمیم کمیسیون مستقل انتخابات و حکومت افغانستان برای برگزاری چهار انتخابات در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، تکان‌دهنده و نگران‌کننده است.

در اعلامیه آمده است: «در شرایطی که زمینه برای برقراری صلح فراهم شده، حکومت نباید بدون در نظرداشت استراتژی موفق و سنجش دقیق، گرفتار دغدغه‌های شخصی و سلیقه‌ای شود؛ زیرا این کار می‌تواند از سویی دست‌آوردهای چند ساله و از سویی هم فرصت پیش‌آمده برای صلح را در معرض خطر قرار دهد.» چندی پیش، کمیسیون مستقل انتخابات، به حکومت افغانستان پیشنهاد داد که انتخابات پارلمانی ولایت غزنی، شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی‌ها و شماری از شهرداری‌ها، در ماه میزان سال آینده‌ی خورشیدی برگزار شود.

مسئولان این کمیسیون، تاکید کردند که تمام آمادگی‌های تخنیکی و عملیاتی، برای برگزاری این چهار انتخابات در ماه میزان سال آینده گرفته شده است.

به دنبال آن، رییس‌جمهور غنی روز یک‌شنبه (۲۸ جدی)، در دیدار با اعضای کمیسیون مستقل انتخابات، گفت که حکومت افغانستان به اصل انتخابات متعهد بوده و تسهیلات لازم را در راستای برگزاری چهار انتخابات پیش رو فراهم خواهد کرد.

رحمانی: حضور غیرمسئولانه‌ی سرپرست‌ها در ادارات پایان یابد

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان، از رییس‌جمهور غنی می‌خواهد که به فرهنگ سرپرستی در اداره‌های دولتی پایان دهد.

آقای رحمانی که روز دوشنبه (۲۹ جدی)، در نشست عمومی مجلس نمایندگان سخن می‌زد، گفت حضور سرپرست‌ها در اداره‌های دولتی غیرمسئولانه بوده و باید هرچه زودتر پایان یابد. او افزود: «تمام فعالیت سرپرست‌های اداره‌هایی که از سوی نمایندگان مجلس رای تایید نگرفته‌اند، غیرقانونی است. نمایندگان توقع دارند که این سرپرست‌ها هرچه زودتر به دلیل نقض قانون سرپرستی رخصت شوند.» به گفته‌ی آقای رحمانی، رییس‌جمهور غنی باید هرچه زودتر افراد جدیدی را برای اداره‌هایی که توسط سرپرست اداره می‌شوند، معرفی کند.

گفتنی است که مجلس نمایندگان چندی پیش، به رنگینه حمیدی، سرپرست وزارت معارف، طاهر زهیر، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ، حسنیه صافی، سرپرست وزارت امور زنان، مجیب‌الرحمان کریمی، سرپرست وزارت احیا و انکشاف دهات و اجمل احمدی سرپرست ریاست بانک مرکزی، رای رد داد و تا اکنون، حکومت افغانستان نتوانسته برای این افراد، جایگزین جدید معرفی کند. با این حال، رییس مجلس نمایندگان، می‌گوید که رنگینه حمیدی، سرپرست وزارت معارف، به گونه‌ی غیرقانونی دست به عزل و نصب ساختاری زده است.

او افزود: «برکناری سلیقه‌ای مشاوران وزارت معارف، غیرقانونی است و به آبروی نهادها صدمه می‌زند. این کار، به امنیت شغلی آسیب می‌زند و باید هرچه زودتر جلو آن گرفته شود.»

این در حالی است که رنگینه حمیدی، سرپرست وزارت معارف، چندی پیش ۱۵ مشاور قراردادی و رسمی این وزارت را از سمت‌شان برکنار کرد.

جهـان

اف‌بی‌آی سوابق نظامیان فرستاده‌شده به واشنگتن را بررسی می‌کند

مقام‌های امنیتی امریکا، نگران حمله‌ی داخلی و تهدید نظامیانی اند که برای تامین امنیت مراسم تحلیف جو بایدن به واشنگتن فرستاده می‌شوند.

رایان مک‌کارتی، رییس سازمان نیروهای زمینی امریکا، در گفت‌وگو با خبرگزاری آسوشیتدپرس، گفته است که مقام‌ها از تهدیدات احتمالی آگاه اند و تا هنوز شواهدی که بیان‌گر وجود تهدیدات بالقوه باشد، به دست نیامده است.

به گفته‌ی آقای کارتی، به همه فرماندهان دستور داده شده که مراقب رفتار نیروهای زیر امر شان باشند.

قرار است ۲۵ هزار نظامی گارد ملی از سراسر امریکا برای تامین امنیت مراسم تحلیف جو بایدن، به پایتخت این کشور بروند که نسبت به مراسم تحلیف رییس‌جمهورهای قبلی، دو و نیم برابر است.

پولیس فدرال امریکا یا اف‌بی‌آی، نگران تهدیدات داخلی است و به همین منظور سوابق این نظامیان را تا روز مراسم تحلیف بررسی می‌کند.

این نگرانی پس از آن افزایش یافت که در حمله به کنگره‌ی این کشور در تاریخ ششم جنوری، چند نظامی بازنشسته و ماموران پولیس حضور داشتند.

قرار است روز چهارشنبه (۱ دلو/ ۲۰ جنوری) مراسم تحلیف چهل و ششمین رییس‌جمهور امریکا، برگزار شود.

خبرونه

میدان وردک کې ۱۶۴۰۰۰ جریبه دولتي ځمکه ثبت شوې

په میدان وردک ولایت کې څه باندې ۱۶۴ زره جریبه دولتي ځمکه ثبت شوې ده. ښارجوړولو او ځمکو وزارت وایي په هېواد کې د دولتي ځمکو بانک برنامې په دوام، د میدان وردک ولایت اړوندو سېمو کې په ۲۱۱ ټوټو کې، ۱۶۴ زره او ۶۰۰ جریبه دولتي ځمکه او ملکیتونه ثبت شوي دي.

دا وزارت وایي له دې څخه ۱۶۰۳۵۳جریبه سپینه دولتي ځمکه او پاتې ۴۲۴۷ جریبه د دولتي ادارو تر استفادې لاندې عامه ملکیتونه دي، چې د دې ولایت په مرکز او بېلابېلو ولسوالیو کې ثبت شوي دي.

د ښارجوړولو او ځمکو وزارت تر دې دمه د هېواد په ۳۱ ولایتونو کې په ۶۹۳۹ ټوټو کې، ۶ ملیونه ۸۱۱ زره او ۴۸۲ جریبه دولتي ځمکه او ملکیتونه د لویو پرمختیایی او اقتصادي پروژو د پلی کېدوپه موخه سروې او ثبت کړي دي.

ننګرهار کې ۵۰۰ جریبه ځمکه د کبانو فارمونو ته ځانګړې شوې

د ننګرهار وادي کرنیز شرکت په هېواد کې د کب روزنې د پراختیا په موخه هڅې چټکې کړې دي. د ملي پراختیا شرکت وایي له کله چې د ننګرهار په کانال کې د دغه شرکت له خوا پرمختیایي کارونه پیل شوي زرګونو کسانو ته یې د کارزمینه برابره کړې ده.

په دغه شرکت کې مسوولین وایي یوه برخه کې چې دوی پکې پانګونې ته پاملرنه کړې د کبانو روزنه ده.

په همدې موخه ملي پراختیا شرکت په هیواد کې د کب روزنې د پراختیا او د کورنۍ اړتیا د پوره کولو لپاره، د کبانو د پالنې د سلګونه تولیدي فارمونو د جوړولو په موخه د ننګرهار ولایت په ځرخېلو سیمه کې شاوخوا ۵۰۰ جریبه ځمکه ځانګړې کړې ده.

دا مسوولین وایي په دې سیمه کې د ۲۰ حوضونو کارونه پیل شوي چې د لسو چارې ېې بشپړې او ځلور ګټې اخیستنې ته وړاندې شوي دي.

د ملي پراختیا شرکت د مالوماتو له مخې د کبانو د ځلورو حوضونو له ډلې په درېیو کې یې شاوخوا شپږزره کبان اچول شوي او په ځلورم حوض کې ۳۳۷ مادرستاک کبانو پالنه هم پیل شوې ده.

په دې سیمه کې د ټولو حوضونو له بشپړیدو وروسته به د کبانو له پلور څخه په میلیونونه افغانۍ کلنی عاید ترلاسه او له ګاونډیو هیوادونو څخه به د کبانو د وارداتو کچه هم راټیټه شي.

د ملي پراختیا شرکت په داسې حال کې په ننګرهار کې د کبانو د پالنې له پاره دا ځمکه ځانګړې کړې چې د کبانو د تولید صنعت په دې وروستیو کې په هېواد کې وده کړې ده. د کرنې او مالدارۍ وزارت د شمیرو له مخې په افغانستان کې هرکال شاوخوا ۱۱ زره ټنه د کبانو غوښه تولیدیږي.

ویل کیږي هرکال له اتیا څخه تر سل پورې د کبانو د پالنې مرکزونه نوي جوړیږي. پخوا به کبان یوازې له سیندونو ترلاسه کېدل، خو په دې وروستیو کې ډیر کبان له صنعتي فارمونو لاس ته راځي. په هېواد کې د کبانو د صنعت په برخه کې له دې هڅو سره سره تراوسه هم د افغانستان د خپلې اړتیا وړ کبان په هېواد کې نه تولیدیږي.

ارغستان کې ۸۳ پروژې پلې شوې دي

د کندهار په ارغستان ولسوالۍ کې په ټېرو دوو کلونو کې د کرنې په برخه کې ۸۳ پروژې پلې شوې دي.

د کندهار د کرنې او مالدارۍ ریاست وایي ډېرې دا پروژې د اوبو د مهارولو او ځمکې د تخریب د مخنیوي په برخه کې تطبیق شوې دي.

د کندهار د کرنې او مالدارۍ رییس سید حفیظ الله سیدي وایي په دې وروستیو کې د کرنې وزارت له پراختیایي بودیجې څخه د اته میلیونه افغانیو په لکښت د اوبو د مهارولو د یوه بند چارې بشپړې او ګټې اخیستنې ته وسپارل شو.

سیدي وایي دا بند د ارغستان ولسوالۍ د «جنګ ژورې» په سیمه کې د موسمي اوبو راګرځولو او زېرمه کولو په پار جوړ شوی دی، چې د ۱۱۵زره متر مکعب اوبو د زېرمه کولو ظرفیت لري.

هغه وایي د دغه بند په جوړېدو سره به څه باندې اته زره جریبه کرنیزې ځمکې ته د خړوبولو امکانات برابر او په دې سره به د ځمکې لاندې اوبه هم تقویه شي، چې په پایله کې به یې د کاریزونو او څاګانو اوبه ډېرې او د خاورې د تخریب او سېلابونو مخه به ونیول شي.

د کندهار د کرنې ریاست د مالوماتو له مخې د ارغستان ولسوالۍ د خلکو په غوښته په تېرو دوو کلونو کې د دې ولسوالۍ په ېلابېلو کلیو کې د اوبو مهارولو او د خاورې د تخریب د مخنیوي په برخه کې ۸۳ پروژې پلې شوي دي.

په دې پروژو کې «سربندونه، کوچني کانګرېټي چکډمونه، د اوبو د زېرمه کولو حوزونه او ژورې څاګاني شاملې دي، چې زرګونه کسان تري ګټه اخلي.

شناس‌نامه

صاحب امتیاز: مختار پدرام **مدیر مسوول:** عبدالله سلاحی **سردبیر:** نصیر ندیم **دبیر اجرایی:** مجیب ارژنگ

گزارش‌گران: علی‌شیر شهیر، محمدگوهری، روح‌الله طاهری، ابوبکر صدیق، زهرا سیاس، نجیب مایار، راحله یوسفی و حیات بودا

ستون‌نویسان: طاهر احمدی و معصومه عرفان **ویراستار:** نوید احمدی **گزارش‌گر تصویری:** نثار آژیر **عکاس:** محب علی

صفحه آرا: اسماعیل لعلی **آنلاین:** عبدالرازق اختیار بیگ

تنها سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه صبح کابل است. دیدگاه‌های مطرح شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

ایمیل: subhekabulam.daily@gmail.com

بازاریاب: ۰۷۷۴۰۰۲۶۰۴

توزیع: شبکه زنگ صبح-۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

چاپ: مطبعه انتخاب

آدرس: کابل، کارته سه، سرک چهارم

روزنامه صبح کابل

● سال دوم ● شماره ۳۰۱ ● سه‌شنبه ● ۳۰ جدی ۱۳۹۹ ● ۱۹ جنوری ۲۰۲۱

عبدالله سلاحی

تولید اطلاعات، به‌دلیل بیش‌ازاندازه بودن خود، در حین این‌که می‌تواند توهم آگاهی را شکل بدهد، ما را از دانستن و آگاهی‌یافتن بازمی‌دارد. فکر می‌کنیم هرچه بیشتر بدانیم، پراکنده‌تر می‌شویم؛ بنابراین سعی می‌کنیم محدوده‌هایی را برای خود تعیین کنیم. تخصصی شدن تحصیل برای همین است؛ یعنی زیاد بودن اطلاعات و دانستنی‌ها، ما را به سمت تخصصی شدن کشانده است.

اهمیت طرح این بحث در این نیست که چیستی اطلاعات و یا تخصص‌مان را نشان می‌دهد؛ برای من، اهمیت آن در تغییر نگرش و زاویه‌ای است که از آن به ما نگاه می‌شود.

زمانی که می‌گوییم باید تخصصی‌تر شویم، تصمیم واقع‌بینانه‌ای گرفته‌ایم اما؛ زمانی که سیستمی که در آن زندگی می‌کنیم، به‌دلیل رسیدگی خودش به آن‌چه برایش طراحی‌شده، این تصمیم را در ذهن‌مان می‌کارد، واقعیت چیز دیگری است نه آن‌چه اسمش را تصمیم‌گیری در مورد تخصص و رشته‌ای‌سازی آگاهی، می‌نامیم.

اگر از دید شک‌آلود من به موضوع نگاه کنید؛ رشته‌رشته کردن دانش و در کل آگاهی‌های ممکن در جامعه و بعد انتخاب ما از میان آنان، یک فریب یا چیزی شبیه خطای دید است.

اگر از بالا خودمان را تماشا کنیم؛ یعنی خود را هنگام انتخاب رشته‌ی تحصیلی‌مان تصور کنیم، می‌بینیم که در میان صدها رشته، یکی را برگزیده‌ایم و کاملاً در آن مختاریم اما؛ اگر همه‌ی این رشته‌ها را حساب کنیم و بگوییم، هیچ‌کدام را نمی‌پسندم، قضیه کاملاً برعکس می‌شود.

در این صورت، می‌توانیم بفهمیم که نه! آن‌چه ما نامش را انتخاب می‌گذاریم، جبری است که از نبود رشته‌های دیگر، سرچشمه گرفته. محدودیت‌ها، باعث انتخاب نمی‌شوند، آن‌ها انتخاب را به‌وجود می‌آورند.

زمانی که فقط دو رنگ را برای انتخاب داشته باشیم و یکی را برگزینیم، نمی‌توانیم اسمش را انتخاب بگذاریم، چون ما راه دیگری نداشتیم اما؛ میل به وجود گزینه‌های دیگر در ما همیشه وجود دارد. درصورتی‌که مثال‌های مرا در مورد اطلاعات رسانه‌ای هم یک‌سان بدانیم، می‌توانیم به نتیجه‌های جالبی برسیم.

نخست از همه، می‌فهمیم که اطلاعات موجود در اطراف ما، همه‌شان قابل‌درک نیستند زیرا ما قبلاً توسط اجتماع و سیستم حاکم بر آن، راهی را پیموده‌ایم که الآن با آن‌چه برخورده‌ایم فاصله دارد. وقتی‌که رشته‌ای را خوانده‌ایم یعنی، دیگر رشته‌ها را از خود گرفته‌ایم که البته جز این، چاره‌ای هم نداشتیم.

اخبار اقتصادی، سیاسی، ورزشی و... مثل رشته‌ها تقسیم‌شده هستند. بر اساس همین تقسیم‌بندی هم است که هر کس که در جامعه بیاید، پس از مدتی، وارد محدوده‌ی از پیش تعیین‌شده خواهد شد. محدوده‌ای که نمی‌توانیم ورود به آن را به انتخاب خود بدانیم؛ آن‌چه بر ما می‌گذرد آزاد است اما؛ ما که تحت گذر آنیم و نمی‌توانیم فارغ از آن تصمیمی بگیریم، آزادی نداریم.

جهان رسانه، به‌خصوص از نوع شبکه‌های اجتماعی‌اش، طوری دست به تولید اطلاعات می‌زند که می‌شود راجع به هرچیزی دانست اما؛ درنهایت همین زیادی، کار دست‌مان می‌دهد و ما را به نادانی علاقمند می‌سازد. این رسانه‌ها، ظرفیت آگاهی‌یابی‌مان را مشخص می‌کند؛ بنابراین وقتی‌که خود می‌بینیم نمی‌توانیم از همه‌چیزی که می‌بینیم آگاه شویم، دوباره به دامان تقسیم‌بندی‌ها برمی‌گردیم و از بسیاری چیزها، نادیده می‌گذریم.

نصیر ندیم
عکاس

Neanthertal

کوه کوچک غم آتش‌فشان دارد

فاطمه‌گل دختری است که با درد زاده شده. به قول شاملو؛ کوه با نخستین سنگ و انسان با نخستین درد آغاز می‌شود. بیشتر ما در جوانی و بزرگ‌سالی معنی درد را فهمیده‌ایم؛ اما فاطمه‌گل در نخستین روز. او در بدو تولد -به مانند هزاران کودک دیگر- گریست؛ اما با این تفاوت که گریه او در سوگ پدر بود.
او در دوسالگی صدای زنگ‌های زن مست در عروسی مادرش که قصه از بی خوابی‌های پر از کابوس و اتاق‌های پرورشگاه می‌کرد، شنیده است.
کوه کوچک، در نخستین روز از خامی به پختگی رسید و نگاه‌های پرنفوذش، آتش‌فشانی را در دل هر آدمی روشن، فوران می‌دهد. محل عکس: پرورشگاه ولایت بلخ

اطلاعات زیاده بر احتیاج؛
دانستنی‌هایی که به درد نمی‌خورد

جهان رسانه، به‌خصوص از نوع شبکه‌های اجتماعی‌اش، طوری دست به تولید اطلاعات می‌زند که می‌شود راجع به هرچیزی دانست اما؛ درنهایت همین زیادی، کار دست‌مان می‌دهد و ما را به نادانی علاقمند می‌سازد. این رسانه‌ها، ظرفیت آگاهی‌یابی‌مان را مشخص می‌کند؛ بنابراین وقتی‌که خود می‌بینیم نمی‌توانیم از همه‌چیزی که می‌بینیم آگاه شویم، دوباره به دامان تقسیم‌بندی‌ها برمی‌گردیم و از بسیاری چیزها، نادیده می‌گذریم.

ما نیاز به خروج از متنی داریم که در آن همه‌چیز را -حتا خودمان را- از پیش تعیین کرده‌اند.

مرزبندی‌هایی که از آن یادکردم، هرچند که واقعیت اجتماعی و زیستی است اما؛ نتیجه‌ای که از آن به‌وجود آمده، برخلاف آن را نشان می‌دهد؛ ما دچار خطای دید شده‌ایم و شاید دنیای مجازی فقط در انترنت نیست و بسیاری از باورها و رفتارهای ما با واقعیت زیستی‌مان ربطی ندارد.

دنیای اطلاعات‌زده‌ی ما، طوری شکل گرفته است که بسیاری از آن‌چه می‌دانیم و یا قابل دانستن است، بیکاره است. به‌نحوی می‌شود چنین گفت که اگر در تولید هر چیزی یک‌سری از تفاله‌ها و زباله هم به‌وجود می‌آید که قابل‌استفاده نیست، در تولید اطلاعات نیز چنین است اما؛ مشکل در این‌جا است که در دستگاه شبکه‌های اجتماعی، هدف تولید، زباله‌سازی است.

مثلاً عکس لخت یکی از نمایندگان مجلس که زمانی در همین زاکرآباد، دست‌به‌دست می‌شد و همه اهالی، آن را دید می‌زدند، شاید چندان اهمیت نداشته باشد که واکنش به آن، اهمیت دارد. مردمی که رسانه‌ها ساخته است، اطلاعاتی را دوست دارد که نیاز به فهمیدن ندارد؛ مستقیم و کاملاً خودبه‌خود -اتوماتیک- وارد ذهن‌شده، خودش دست‌به‌کار می‌شود.

باخبری از رابطه‌ی نامشروع نماینده‌ی مجلس، اهمیتی ندارد و هرکسی حق دارد رابطه‌ای داشته باشد اما؛ اگر در اجتماع و اهمیتی که به این مسئله می‌دهد، نظر بیاندازیم؛ چنین درکی مزخرف است.

خب! نتیجه این‌که هم‌زمان با تولید اطلاعات زائد، رفتارها و ارزش‌هایی هم به‌وجود می‌آید که بدتر از آن‌ها و آشغال‌تر است. در شرایط این‌شکلی، نمی‌توانیم مرزبندی‌ها را نادیده بگیریم چون همین‌ها بوده که اکنون به این مرحله رسیده‌ایم؛ رشته‌بندی‌ها در دانش‌ها برای زودتر فهمیدن و آسان‌تر فهمیدن درست شد .

علاقه‌ی مردم به زود خبر شدن و آسان فهمیدن، کار را به‌جایی رساند که امروز بیشتر به چیزهایی توجه می‌کنند که اصلاً زحمت دانستن را در خود نداشته باشد. اکنون، بخش بزرگی از مردم حوصله‌ای به دانستن ندارند و حتا برای به‌یاد آوردن چیزی فوراً در گوگل و فیس‌بوک، به جست‌وجو می‌پردازند.

این رفتارها هم زباله‌هایی در وجود ما است؛ دیگر حافظه، قوه استدلال و... در ما بیکاره اگر نشود، کم‌کار می‌شود و درنهایت از ما چیزی جز یک سطل زباله به‌جا نخواهد گذاشت.

اشتراک در روزنامه

اشتراک کنندگان	شش ماه	یک‌سال
دفترهاوسازمان‌های‌داخلی	۴۵۰۰افغانی	۸۰۰۰افغانی
دانش‌جویان‌وخانواده‌ها	۲۵۰۰افغانی	۴۵۰۰افغانی
دفترهاوسازمان‌های‌بین‌المللی	۱۷۵دالر	۳۰۰دالر

www.subheKabul.com
@subheKabul
+۹۳۷۷۴۰۰۲۶۰۴
کابل،کارته‌سه